

صفحه از صفحه ۱

برچم

هم اکنون جنبش جهانی کمونیستی که با پیکر خونین و زخم آلود از صربیا رویزیونیستهای مرتد خروسیچی و سه جانی در شنت و تفرقه سر میبرد دجا را تحرافات کوناگون است و در حال حاضر فاقد ستاد قوی و نیرومند کمونیستی و سوسیالیستی می باشد.

امروز در شرایطی که جنبش جهانی کمونیستی دجا تفرقه، پراکنده گی، ضعف و بی باکی در توده ها و با لایح طبقه کارگر است، انحرافات کوناگونی گلوگاه ما رکیست لنینیستهای جهانی را میفشرد. جلوه ای از این انحرافات در برخورد برخی از کمونیستهای جهان به وضعیت جنبش انقلابی ایران و ما هیت قدرت سیاسی حاکم تظا هر پیدا میکند. در اینجا روی سخن ما آشکارا با حزب کارآلبانی است که از جمله پرچمداران مبارزه ضد رویزیونیستی است. این رفقا در برخورد به برخی از مسائل و از جمله در برخورد به مبارزات مردم ایران دجا را تحراف گشته و با "مترقی و صدا میریالیست" خواندن رژیم ایران و حمایت از آن در قبال جنگ ارجاعی کثونی، آشکارا به جنبش کمونیستی و انقلابی ایران لطمه میزنند!

اما رفقا مسئله بدینجا ختم نمیگردد. در داخل جامعه خودمان، رفیقان شماره یک بیک به ما رکیسم و انقلاب پشت کرده اند. چرا که حدت یا سی مبارزه طبقاتی مجالی برای حفظ دوستیهای بیسی بدست نمیدهد و هر کس ناگزیر است راه خویش را انتخاب کند. سد بیجهای تاریخی، آزمایشهای دشواری بیش پای کمونیستها میدهد. که کمونیستهای پیکریا بد آن را از سر بگذرانند، یکی از تند بیجهای جامعه ما یعنی واقعه سفارت پنج بساری را در دست داشت.

در پی آمدن تند بیج و در طی یک روند، بخش مهمی از آزمان چریکهای فدائی خلق به ورطه رویزیونیسم خروسیچی و آنخا دیه کمونیستها به اپورتونیسیم منط آلوده به گرایشات عمیق به جهانی در غلطیدنند! در این تند بیج تاریخی بعد از قیام، کمونیستهای پیکریا از آزمایشی سخت سر بلند بیرون آمدند. دومین تند بیج پس از قیام، جنگ ایران و عراق بود. در این تند بیج آنخا دیه کمونیستها به دفاع فعال از بورژوازی حاکم، دولت ارتجاعی موجود و جنگ نا عادلانه پرداخته و همصدا با بورژوازی به تعرض علیه انقلاب و نیروهای پیگیر دست میزند. و مدعی - ترتیب این نیرو به منجلب کامل اپورتونیسیم در غلطید. در این تند بیج نیروهای نابیکرو منززل جنبش کمونیستی ایران انحرافات خود را تعمیق بخشیدند. رفقای "راه کارگر" و رفقای "رزمندگان" انحرافات رویزیونیستی

خویش را تعمیق نموده و دمدمی تحرافات راست - روانه اتیان راست بخشیدند. و در این میان برخی دیگر از نیروها نیز دجا را تحرافات "دفاع - طلبانه" کردیدند.

رفقا! تند بیج سختی را با پیدا ز سر بگذرانیم! اگر در تند بیج واقعه سفارت، آزمان چریکهای فدائی (اکثریت امروز) خواهان ملح و سازش با رژیم در کردستان گشته و به دفاع از مبارزه "صد امیریا لیستی" حنا حی از هیات حاکمه برخاست و بالاخره سقوط نمود، در تند بیج جنگ ایران و عراق، نیروهای کمونیستی نابیکر در سر آغاز چنین راهی قرار گرفته اند. اینان نیز در چنین شرایطی عمده نمودن مبارزه علیه ارتجاع داخلی را انحراف میدانند "دفاع از مین"، "ملح در کردستان" نصیحت به هیات حاکمه صدا نقلابی که به سرکوب انقلابیون نیردا زد، توصیه به رژیم برای ملح نمودن توده ها و دست آفرینان آشکارا رفقای رزمندگان در دفاع از "گرایشات صدا میریالیستی" خرد بورژوازی حاکم، همسو و هم رنگ خطر را بعدا در میا ورد و نگرانی کمونیست های پیکریا افزون تر می نماید.

رفقا! در غلطیدن به منجلب رویزیونیسم و اپورتونیسیم در جامعه ما با سرعتی شگرف صورت می پذیرد. اگر در قبال بعد از گذشت چندین سال در دوران ائت جنبش، در سال ۵۶ انشعاب دارو دسته رویزیونیست منشعب از چریکهای فدائی خلق تحقق یافت؛ اکنون کوران مبارزه طبقاتی بیش از یکسال مجال نداد که انشعاب بزرگی را در دوران این آزمان بوجود آورد و بخش مهمی از این آزمان را به دامان رویزیونیسم در غلط انداخته ای به سیرا تحرافات و وضعیت سا بر نیروهای جنبش انقلابی و کمونیستی نیز این حقیقت را بیش از پیش به نمایش میکشاند و نگرانی ما را بحق افزون میکند. آری، پشت نمودن به برچم لیسیم، سروش محتوم همه آن جریانهای است که راه سازش با هیات حاکمه را در پیش میگیرند.

شرایطی که ما در آن بسر میبریم به لحاظی همچون سالیان ۴۰ و ۵۰ قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اروپا است. بیاد آوریم سالیان ۱۸۴۰ تا ۵۰ را که آلمان در پی حوچا انقلاب بود اما جنبش چپ پراکنده و ضعیف بوده و انحرافات اپورتونستی و بورژوائی موجود در آن بشمار بود. در چنین هنگامی آموزگاران پرولتاریا مارکس و انگلس، برچم پرولتاریا را برافراشته نگاه داشتند و با مبارزه پیکری، پیروزی پرولتاریا و حقانیت مارکسیسم را به اثبات رساندند. بیاد آوریم دهه های اول قرن بیستم را که دوران سیادت کامل اپورتونیسیتها در جنبش کمونیستی جهانی بود و در روسیه بخش مهمی از جنبش چپ آلوده به اپورتونیسیم بین الملل دوم

کردند. اما در همین آزمان رو به حلقه ضعیف رنجیر امپریالیسم و رویزیونیست انقلاب بود بلشویکها به رهبری رشتق لنین مرحوم را کیم را برافراشته نگاه داشتند و در زمانی که آن راه را حتر از در آوردند. لنین مرحوم را کیم را بدست گرفتند و در اپورتونیسیم و رویزیونیسم را در هم کوپید و در راه انقلاب با طعنه بدست رفت. و بالاخره پرولتاریای روس در برچم کسر لیسیم، انقلاب اکبر را به سروری در جان رسانید.

رفقا! ما سر در شرایط بحسی سر میبریم. ایران در انشعاب حسن نوننده و او حکمران شده ها سر میبرد، سدیح حک ایران و عراقی خطوط درون جنبش کمونیستی را مشخص بر ساحه وجه بسا رفیقان سیمه راه دیگری را از مساندور سازد و در میان توده ها بدلیل سوهم، سدچارک است! از یک سو فلاکت جنگ و سدندنا لیب انقلابیون، توده ها را آکا هر حوا هد سو دو بوده ها بیش از پیش بسوی لحظه ای که لوله تفک را به طرف ارتجاع حاکم نشا به کرمه اده خواهد رسد و از سوی دیگر در صف جنبش کمونیستی سره از ناسره جدا میگردد و در این مسان رفیقان سیمه راه آشکارا ما هیت خویش را بر ملا مسار سد صف کمونیستهای پیکریا فرسوده سر میگرد. آری این تند بیج نتایج بسیاری بر حواهد آورد و ما دیگر کمونیستهای پیکری، به انکا مبارزه اندو - لوزیک با انحرافات جنبش کمونیستی و سدا انکاء بیوندنا پرولتاریا و زمختان سناد رزمنده پرولتاریا - حزب کمونیست ایران - را تدارک خواهیم دید. حزبی که برچم ظفر سوسس لنینیسم است.

رفقا! شرایط دشواری است. در کوران تند بیج عظیمی قرار گرفته ایم. اما ما مصمم گشته ایم که در این تند بیجها نه تنها دجا رتزلزل نکردیم نه تنها از انقلاب دوری جوئیم، بلکه همیشه و همواره به منافع انقلاب و طبقه کارگر بسیدشیم و در این راه با طعنه به پیش روییم. راه مبارزه انقلاب است چرا که برچم ما لنینیسم است.

رفقا! برای دفاع از منافع طبقه کارگر، برای دفاع از پاکیزگی مارکسیسم لنینیسم بر اساس خط اصولی سازمان در قبال جنگ، فعلا نه بکوشیم انحرافات رویزیونیستی بورژوازی در جنبش کمونیستی و انقلابی میهنمان را افشا کنیم و

برچم ظفر نمون لنینیسم را برافراشته نگاه داریم!
آینده از آن طبقه کارگر است. این حکم تاریخ است.



برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



حمایت کارگران "سپیدرود" از شورایشان

مدتی پیش مجمع عمومی کارگران بدعوت شورای کارخانه تشکیل میشود که علیرغم تهدیدات کارفرما (که کارگران را در صورت شرکت در مجمع به غیبت و جریمه تهدید کرده بود) حدود ۵۰۰ نفر در آن شرکت داشتند. فردای آن روز حسینی رئیس با کسری به همراه نماینده استان - داری و عده‌ای دیگر به کارخانه آمد و قصد صحبت با شورای کارخانه را داشتند که به علت با فشاری نمایندگان شورا، محبور میشوید در حضور تمامی کارگران صحبت‌های خود را بکنند، ابتدا حسینی بعد از مقدمه چینی‌های زیاد مسئله "پاکسازی" را مطرح میکند و به این بهانه که گویا در کارخانه به ما منوهین شده! (درست‌ها منظور کس و اکی-های زمان شاه به بنام توهمین به "شخص اول مملکت" یکپرو بیندراه می‌انداختند) در ایسن هنگامی که نمایندگان شورا اجازه صحبت میخواهند دولتی از آنجایی که حسینی به او اجازه نداده و نوبت را به همیالکسی اش یعنی نماینده استاندار میدهد، کارگران اعتراض میکنند، که در جواب حسینی میگوید: "قایان حرفهای خدا سلامی نزنید!" بدنبال این جریان کارگران متوجه میشوند که حسینی قصد توطئه چینی و نفاق افکنی در صفوف کارگران را دارد، لذا همگی محکم و یکصد شاعر می‌دهند: "شورای انتخابی موردتأکید ما است" و حسینی که می‌بیند توطئه - هایش نقش بر آب شده، دشم را روی کولین گذاشته می‌رود!

زننده با آگاهی و اتحاد کارگران!
بمنقل از نشریه شماره ۵ یک چوکا

گزارشی از انعکاس جنگ ایران و عراق در يك کارخانه

رژیم آران بهشتی‌بی خواهد بود، رژیم میکوشد تا با شدیدا استثمار کارگران خسارات این جنگ را جبران کند و سوره‌های خود و سرمایه‌داران را مانند گذشته تا بین کند.

انجمن اسلامی، گروه‌های بسیج را که حدود ۶۰ الی ۷۰ نفر در شب به پاسداری و تعلیمات نظامی و ایدئولوژیک وادار میکنند. حدود ۱۰ نفر از کارگران منفضی خدمت سال ۵۶ به خدمت اعزام شده‌اند، که بعضی آرانها با نرس و یانسا - رضایشی به جبهه رفتند، و کلا ۳۰ نفر منقضی خدمت ۵۶ و ۲۰ نفر از گروه‌های بسیج به جبهه اعزام شده‌اند که همین موضوع کاربینه کارگران را سنگین تر نموده است.

مسئله‌ها موشی شب و اثرات آن یکی دیگر از عوارض جنگ است. موشی در این کارخانه باعث شده که یکی از کارگران به زیرماشین رفته و کشته شود، که چند نفر از اقوام و دوستان کارگران نیز بهمین ترتیب دچار مرگ و یا حادثه شده‌اند از جمله تا ثیرات دیگر موشی ضعیف شدن اعصاب کارگران است. اگر جنگ شدت یابد فشار زندگی بر کارگران بیشتر میشود و حتما بر علیه این جنگ مبارزه خواهد کرد.

عده‌ای از کارگران که در ابتدا تحت تاثیر تبلیغات "میهن سراسیمه" و "دماغ از میهن" از رفتن به جبهه و جنگ دفاع میکردند، بعد از سمی راه‌های ناسات معنی و غیره به سمت به آینه بحالت شک و تردید اسناد و مثلا سطح می‌کنند که "ما چند سال عقب افتادیم حالا چند روز طول خواهد کشید که جبران این خسارات را بکنیم" البته فالانها و کسائی دیگر که ارجحاً مسادی وضع تشبیه شده سری دارند، هنوز به پیروزی اسلام و سرنگونی صدام معتقدند، انجمن اسلامی که به تمویب شورای کارخانه و اریز کردن چند روز حقوق را بحساب ۷۷۷۷۷۷ تبلیغ میکنند و در ابتدا بوانسنه بودند بیکروز حقوق را از همه کارکنان به این منظور بگیرند، بعدا مطرح کردند هر کسی حاضر است حقوق روزهای بیشتری را بدهد که در این مورد بعدا در پایدی بین ۲ تا ۳ روز حقوق خود را در ماه مهر منظور می‌دهند. بیشتر کارگران تمایلات "دفاع طلبانه" دارند، یعنی وقتی نیکه از جنگ کارگر پرسیدیم که اگر زمان شاه بود این جنگ بوجود می‌آمد، آیا به جبهه می‌رفتیم؟ همگی می - گفتند بلیه، در رابطه با شرایط جنگ طرح مسائل صنفی دشوار است، که چه قبل از جنگ حق تولید سود و بهره مطرح بود اما اکنون اگر از طرف کسی این مسائل مطرح شود، فالانها و سرپرستان با برخ کشیدن جنگ و اینکه "برادران مادر جبهه کشته میشوند و شما دنبال حقوقتان هستید" عکس العمل نشان میدهند، در همین رابطه تا حدود زیادی کارگران به این قضیه که جنگ سر - پوشی است برای مخفی نگه داشتن فشارها پس برداشته اند در حال حاضر با سوء استفاده از جنگ فشار زیاد شده است. بطوریکه شورا و سرپرستان کمکاری و اعتراضات دیگر را حرکت صدام انقلابی میدانند پس اربمباران کارخانه و به علت کمبود مواد، تولیدش پائین آمده به همین خاطر کار کارخانه که سه شفته بود و شیفته شده، البته قبلا گفته بودند هر شیفته از کارگران ۲ روز در هفته را ۱۲ ساعت کار کنند، که کارگران از این قضیه دلخور شده‌اند (سرپرستان کار هر چه بیشتر را تبلیغ میکنند) و اگر دوشیفته بصورت رسمی اعلام شود کارگران به ما هیت جنگ و سوء استفاده

با اخراج کارگران به مقابله برخیزیم!

در صورت تعطیل کارخانه، کارگران باید حقوق کاملشان را دریافت کنند

مؤدیانها که کارگران را از شبح اخراج میترسانند و از آن بعنوان چماق سرکوب استفاده میکنند، کارگران مبارز!

شما در این شرایط تنها با تشکیل شوراهای واقعی کارگری که میتواند از اخراج کارگران و سایر مسائل جنگ جلوگیری کنید، شورای کارخانه در این شرایط باید حق اخراج کارگران را از کارفرما بیاورد گرفته و آن را در اختیار خود بگیرد کارگران در صورت تعطیل کارخانه با بدحقوق کامل خویش را در پایدی فتن کنند.

توده‌های زحمتکش که در بوجود آوردن این جنگ هیچگونه نقشی نداشته‌اند، بیشتر بی - بدبختیها و فلاکت‌های ناشی از جنگ را بدوش میکشند، از جمله ممانعت از اخراج کارگران و تعطیل کارخانه‌ها میباشد.

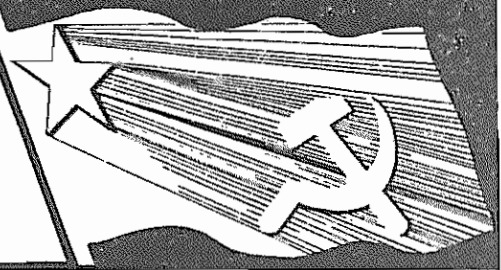
سرمایه‌داران و رژیم بدلیل کمبود ورود مواد اولیه از جنوب آران که نمیخواهند حتی چند روز هم که شده سود نبرند و یا کمتر سود ببرند، فوراً دست به اخراج کارگران و تعطیل کارخانه میزنند. در سایر کارخانجات نیز کارفرمایان

پیش بسوی تشکیل شوراهای واقعی کارگری

نفرات شماره ۹۲

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌ای



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۲)

الف - قوانین تبلیغ

در سازه میل به تعریفی مفهومی از تبلیغ برده‌اشما زان سازه بر روی خوانندگی که تبلیغ با دست‌ان متکی با سدی بردازم .

۱- شناخت "غرایب طبقاتی"

و احساسات متغیر توده‌ها

(نبض توده‌ها را در دست داشتن)

با بدست‌ب کسب‌جرا ما را "غرایب طبقاتی" سخن منکوشم . مگر به اینست که خلق و حشوی توده‌ها را براسط اقتصاد ای احساسی زندگیشان تعین میکند؟ این درست است ، اما براسط گفته درست با ندا افزود که براسط فرهنگها سبب طبقاتی ، غرایب خاصی در سوده‌ها بوجود آمده است . زحمتگسان در ارسا با براسط اصنافی زندگی سان ، دغا روحیات خاصی شده‌اند . مثلا دهقانان سلطت فریبها کار دغا ارم دغا ریکسوج فردگراشی خاصی هستند و براسط بوروازی دارای تنگ نظری و محدودنگری و بزه‌ای است کسه محصول وضعیت و در ارباط با سولداست ، با طبقه‌کارگر خلق و حوی جمع‌گراشی دارد و ... در این رابطه لنین غرایب سبب و سعی طبقاتی توده‌ها را چنین دسته‌بندی میکند :

- ۱- حالت رکود اسانها ، تسلیم در برابر فقر و فقدان حقوق و عا د ب به ستم .
 - ۲- اعتراض ، خشم و بارضایی و بطنان علیه سرچشمه بلاواسطه فقر ، ولی نه طبفسان و اعتراض و خشمی که توسط تئوری اجتماعی آموزش پیدا کرده و روشن شده باشد . (۱)
- ما این نظریه‌سین را در زندگی اجتماعی خود سخودی تجربه کرده‌ام . مثلا سال ۱۳۵۰ را در نظر بگیرد . اگر جلوی عده‌ای از کارگران ، شعسار مرگ برشا را طرح مسکردم ، با ترس و لرز سبه اطراف خود نگاه میکردند و سی احبنا طی ما را سوزش میکردند . مبارزات توده‌ها آندک و آنهم عمدتا در چارچوب مبارزات اقتصادی بود . چه سسا اعتما با شی در برخی کارخانجات بزرگساز میشد که آعتما ب کشتندگان عکس شاه‌خاثن را در جلوی تظاهرات خود حمل میکردند . اما حال سال ۱۳۵۲ را در نظر بگیرد . همان توده‌های سسال ۱۳۵۰ که از شنیدن شعا مرگ برشا مبترسیدند و ما بیل به بخشهای سیاسی "خطرناک" نبودند ،

حکومه در حاسا با سبه خود را حلوی نا نگه‌با سر مسکردند و شاعر "ساک رنجری آمریکا" ی آسپا رژیم مزدور را مسلزاند . ما سوده‌ها را هم در حالت تسلیم و هم در حالت طمان دنده‌ام .

هر زمان بشناسد ، مبلغ با سنی این نکته را در ساد که آبا توده‌ها بیشتر در حالت رکود هستند ؟ یا آرا مآرام خشم و اعتراض توده‌ها سرریز میکنند ؟ دوران رکود است ؟ آعلا انقلابی است و یا موفسنت انقلابی ؟ هر چه توده‌ها از روحه رکود و تسلیم دور میشوند و آشفشان خمشان شروع به طفسان میکنند ، تبلیغ اشکال نوین تر پبسد ا میکند . در دورانهای رکود ما بیدا توده‌ها برم - بر ، بصورانه تر و آرا مترسخن گفت و با شربح مسائل جاری و ملموس ، خشم و نرفشان را بر - اسبخت ، در حالیکه با حرکت توده‌ها با سوی دورانهای انقلابی میتوان تندتر ، آتشین تر و بر سورتربا توده‌ها محبت کرد آتجه را که در دوره - های رکود سبختی و به آرا می با بد تبلیغ مشد اکنون با سدن سرفاظ و اسکال مبتسوان تبلیغ کرد . سدن ترتیب با سدهمواره تبلیغی توده‌ها را در دست داشت و دانست که توده‌ها

ما باید توجه داشته باشیم که چه بسیار تجربیات توده‌ها که اکنون کهنه می‌ارزند و چه احساساتی که ناپسند و مخالف مصالح انقلابند ، اما اگر ما اهمیت عظیم بحساب آوردن این خلق و خوی توده‌ها را در امر گرانقدر تبلیغ نشناسیم ، مصلحین خوبی نخواهیم بود . در تبلیغ ما وظیفه داریم ، برای آگاه کردن توده‌ها برای به هدایت در آوردن غرایب طبقاتی توده‌ها و با وسیدا آساختن احساسات انقلابی آنها ، روحیات توده‌ها را در هر زمان مشخص بشناسیم و در امر تبلیغ بحساب آوریم

دا رای کدا ما حاسا با روحیات هستند ، البته داسن این امرها بطور که شرح خواهیم داد بهیوجه موجب آن نسا بدشود که در مقال اسن احساسات تعظیم کنیم ، بلکه ما برای آنکه احساسات غلط و روحیه تسلیمی را که طبقات اسنما رگربا هزاران حله و زور در توده‌ها اسحا د کرده اندنا سبب کنیم ، با سدا احساسات توده‌ها را در هر زمان سناسیم .

این در تبلیغ ما وظیفه داریم ، برای آگاه کردن توده‌ها ، برای به هدایت در آوردن غرایب طبقاتی توده‌ها و با وسیدا آساختن احساسات انقلابی آنها ، روحیات توده‌ها را در هر زمان مشخص بشناسیم و در امر تبلیغ بحساب آوریم .

۲- رابطه احساسات با تجربیات توده‌ها

گذشته از آن غرایب طبقاتی که محصول قرنها ستم‌طبقاتی است ، تجربیات مشخص توده‌ها تیز بر احساسات آنها تا شبر میگردد . تجربه زندگی توده‌ها ، اشکال مبارزاتی ، نوع رهبری و ... سابق توده‌ها بر روی خلق و خوی آنها تا شبر بسیار دارد . فی المثل توده‌ها شیکه یک قبام را پشت سر گذاشته‌اند ، برای قیام مجدداً ما دگی بیشتری دارند و با تجربه مبارزات توده‌ها تحت رهبری آیت الله خمینی بر علیه شاه‌خاثن منشا احساسات متوهم‌کنونی توده‌ها نسبت به وی پس از سرنگونی شاه است ، بسیار هی هنوز فکر میکنند و همسنگرانها ست ! بدین ترتیب تبلیغ شعا سرنگونی دولتها ی فدخلقی که توده‌ها صیح بقیه در صفحه ۷

تبلیغ با سدا این فاسوسندی غرایب طبقاتی را سنا سبب در حالیکه خود آرا حساب آورد ، مثلا تبلیغ ضرورت سرنگونی شاه و با واسستگی رژیم شاه ، به آمریکا هم در سال ۵۰ و هم در سال ۵۲ با سنی انجام کرد ، با طبیعی اسب در سال ۵۲ توده‌ها بر احساسی به نظرات مرگ برشا می - پیوندند ، در حالیکه این تبلیغ با سنی در سال ۵۰ با سوجه روحیات سوده‌ها در آسما ، اسکال حالات و سوزه‌کشیای مناسب خود را پیدا کند . بدین ترتیب تمامی ممان غرایب طبقاتی توده‌ها وجود دارد (تضاد ممان روحه ، رکود و تسلیم و خشم و اعتراض) تبلیغ با سنی سبب سبب سضا د سبب در روحه خشم و طفسان توده‌ها حل شود و از طرف دیگر این روحه خشم و اعتراض توده‌ها از حالت خودبخودی که میتوان ندحتی در خدمت سرما به داری سبب در سبب دغا رج نده و آگاهانه عمل کند ، پس با سنی تبلیغ از یک طرف آن نفرت فروخته زحمتگسان از اسنما رگران و آن شور و خشم انبساطه سده از ستم‌سنگران طی سالها رنج و اسنما را در توده‌ها سبب رکنند ، آن روحیه تسلیم و رکود که ناسی از قرنها سرکوب ظلم و جهل توده‌ها ست را در هم کوبید و بجای آن برخشم آتشین توده‌ها نسبت به ستمگری بدمدواز طرف دیگر تبلیغ با سنی این خشم و اعتراض خود - بخودی توده‌ها را با آگاه‌گی کمونیستی درهم بیا ببند و آن را ما سندرودی خروشان در کمال درهم کوبیدن سرما به داری هدایت کند . گذشته از ما زده فوق ، آنچه که تبلیغ با سبب آن متکی با سدا اینست که روحیات توده‌ها را در

خلق ها و مسئله ملی



"دینا" ن یورش برده و حدود ۱۵ نفر از مردم زحمتکش روستا را بگروگان گرفتند. رژیم جمهوری اسلامی، با گروگانگیری مردم بیدفاع بدست مزدوران خود، تنها ناتی توانی خود را در مقابل جنبش مقاومت خلق کرده نشان میدهد. چندی پیش نیز مزدوران رژیم عده ای از اهالی "کاساب" و "ما حیا" را نبره گروگان گرفتند که تا بحال در بدترین شرایط بهداشتی و غذایی در ساز-داشتگاهای دگان بسر میبرند.

سنندج

اختناق جمهوری اسلامی!

با ساداران و جانپناهانی حماسه آفرین شهر سنندج را زیر فشار و خفگان قرار داده اند. آنها به این بها که به پیشمرگان در خانه های مردم بر میبیزند به خانه ها حمله میکنند، محلات را کنترل کرده و شانه روز به تنگباری و کنترل رهگذاران در خیابانها می بردازند.

اهالی محلات اطراف دگان تحت فشار مزدوران جمهوری اسلامی خانه های خود را تخلیه کرده اند. مزدوران رژیم مسخوآ هند با چند دورسیم خاردار و مین گذاری اطراف دگان، با دگان را از محلات پیشمرگان رزمند در مان نگاه دارند. جاده سنندج - کرمانشا ه نیز تحت کنترل شدید مزدوران ضد خلق میباشد. با ساداران و جانپناهان و ما شینهای راه که از سنندج خارج میشوند تا فاصله ۴۰ کیلومتری از شهر بیش از ۴ با مورد با زدی و تفتیش قرار میدهند. آنها علاوه بر با زسی بدنی مسافران و ساثل آنها را نیز بدقت با زدی میکنند.

ارومیه

مزدوران شاه، چاق سر کوب جمهوری اسلامی

سرهنگ تاج الدینی عامل کشتار با زده تن از مردم سردشت در تظاهرات قبل از قیام که پس از قیام توسط مردم دستگیر و به کمیته تحویل داده شده بود اکنون آزاد شده و به فرماندهی ژاندارمری ارومیه منصوب شده است. تعجبی ندارد اگر رژیم حاکم مزدوران شاه را بد چاق سر کوب خود تبدیل کرده و میکوشد مینا رزات خلقها را خفیه کند، زیرا خدا انقلاب ضد انقلاب است حال مزدوران شاه مانند دویا مزدوران جمهوری اسلامی. ایمن طبیعی است که آنها ن علیه انقلاب متحد یکدیگر باشند



اخباری از جنبش مقاومت خلق کرد

تکاب ۵۹/۷/۱۲

گروگانگیری زحمتکشان روستای مائین بولاغ

در حمله فهرمانا نه پیشمرگان دمکرات به ستونی که برای با صلح با کمازی ارتکاب به روستای "ما بین بولاغ" رفته بود، ۴ نظامی کشته و ۶ نفر از با ساداران زخمی شدند. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، به تلافی این حمله، ۲ نفر از اهالی بیدفاع محل را بگروگان گرفته و بعد از انتقال به تکاب، آنها را اعدام کردند. در این درگیریها ۲ ربوی ارتشی بدست پیشمرگان منهدم شدند.

تکاب ۵۹/۷/۱۳

غارت روستایان بیدفاع

در این روز با ساداران جهل و سرما به به روستای "قرقبا ن" حمله کردند. آنها مقصدار زیادی از محصولات علوفه ای روستایان را به آتش کشیدند و ضمن ویران کردن حدود ۲۰ خانه، عده ای از اهالی روستا را بگروگان گرفته و با خود بردند.

علی آباد، افشار ۵۹/۷/۱۸

برگزاری مراسم گرامیداشت پیشمرگه شهید "طا" الله پرا زنده"

زحمتکشان روستای افشار و روستای منطقه مراسم گرامیداشت رفیق شهید عطا" الله پرا زنده" پیشمرگه دلیر ما زمان بیکا را برگزار کردند. در این مراسم عده ای از پیشمرگان سازمان بیکا با حضور خود در مراسم سخنرانی درباره رفیق شهید عطا" ادا مراه و با رد دیگر بیمان انقلابی خود با خلق زحمتکش کرد را تجدید کردند.

سقز ۵۹/۷/۱۹

توریه های رژیم در سقز

در این روز، یکی از حاشای منفور، بعصد دستگیری یکی از جوانان شهر، به او ابست داد اما جوان مذکور بدون توجه مسخوآست محل را ترک کند. در این حین، جاش منفور شروع به تیراندازی کرد که در نتیجه آن دو نفر از عابرین زخمی شدند. مردم زخمیها را بلافاصله به سیما رستسان سقز انتقال دادند.

سنندج ۵۹/۷/۲۰

اختناق با ساداران در محله آغاز مان

بدنبال کشته شدن ۲ تن از مزدوران منفور رژیم در محله "آغاز مان"، جانپناه و با ساداران، آب و برق این محله را قطع کرده و از دادن آذوقه به اهالی خودداری نمودند. آنها میگفتند که اهالی محله مذکور، امکانات ورود پیشمرگان را به شهر فرا هم میکنند، ارتجاع فکر میکنند. تحت فشار قرار دادن توده های زحمتکش میتواند حمایت آنها ن را از پیشمرگان رزمنده سلب نماید

مهاباد ۵۹/۷/۲۱

هجوم وحشیانه به شهر

مردم قهرمان مهاباد، یک جاش را در مقابل فرمانداری و دویا سادارا در مقابل بانک ملی بهلاکت رسانیدند. بعد از این واقعه، نظامیان مستقر در اطراف، شهر را با وحشیگری هر چه تمامتر به توپ و خمپاره بسته و اعلام کردند که هیچکس حق خروج از شهر ندارد.

سقز ۵۹/۷/۲۱

مزدوران رژیم در کمین پیشمرگان قهرمان

پیشمرگان قهرمان جنبش مقاومت خلق کرد، در مسیر جاده سقز - سنندج در روستای "دینا" عده ای از نیروهای ضد خلق را به کمین انداخته و آنها را بدون هیچ مقاومتی دستگیر نمودند. روز بعد، نیروهای سرکوبگر به تلافی این عمل قهرمانا نه پیشمرگان، به روستای

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

خاطرات يك سرباز (۹)

بهار زیبای کردستان

۱۷ اردیبهشت: ساعت ۱۲/۴۵ ظهر

امروز جنب و جوش زیادی در میدان به چشم میخورد. هلیکوپترها از بی هم به پرواز در میآیند و در این حال هلیکوپتر تیر خورده است که پشت سر هم بر زمین می نشینند. از صبح تا حالا دو هلیکوپتر از کار افتاده است. خلبانها خبر می آورند که ۱۸ نفر از سربازان گروهانی که روز قبل به با نرفته بود، گروهان گرفته شده اند و خیلی ها کشته و یا زخمی شده اند اما تپه ها تخریب پذیرند یکی از خلبانها از رفتن به با ن سرپیچی کرد. وضع در هم و بر هم است. زمزمه ای وجود دارد که میباید قلعه را بمباران کرد! پیشمرگه ها جانانه می جنگند و بمباران تنها راهی است که برای ارتش و پاسداران باقی میماند. استفاده از کشته ترین ابزارها برای سرکوب خلقی که شجاعانه می جنگند. کشتار، کشتار! اما با زهم موفق نیستند. پشت سر هم سرباز زخمی می آورند گوشت دم توب زیاد است. زحمتکشانی که میتوان به آجباری آوردن! اما روزی خواهد رسید که زحمتکش در مقابل اجبارها می ایستند. آنگاه خود ارتشی خواهند شد و نیرومند. ارتشی که پشت سر ما یه داران را به لرزه می اندازد.

ساعت ۲ بعد از ظهر

فرمانده پاسداران، ابوسریف به پاسداران سقز آمده است. او لحظاتی قبل برای پاسداران سخنرانی کرد من شنیدم که بایست سخنرانی اش را بشنوم. او میگفت: اگر منطقه را بگیریم، دیگر نرسه هیئت حسن نیت می شناسیم و نه هیئت مذاکره کردستان را زیر نظر خود می گیریم به ارتش ا عثمانی کشیم و خود با طاعت اینجا را خلق سلاح میکنند!

جالب است ارتش و پاسداران با همه رقابت ها و عدم اطمینانها می که به هم دارند در کشتار و سرکوب خلق کرد با هم هماهنگی دارند و وحدتشان برقرار است! اکنون هم فرماندهان ارتش و هم فرماندهان سپاه پاسداران طرفدار شدت عمل در کردستان هستند یعنی ادامه کشتار، یعنی شدت یافتن سرکوب ا شنیدن حرفهای فرمانده پاسداران، احساسات نامطبوعی در قلب ما بجا میگذارد. از فکر اینکه فردا یا روزی دیگر در راه این هدفهای شوم خواهم مرد، فشار بیشتر و بیشتری در قلبم حس می کنم. نگران و مضطربم. دندان دردمان زافه شده و کلافه ام کرده است.

۱۸ اردیبهشت

فرمانده به فکر افتاد که با آموزش ارتش را آماده تر کند. اما به برای کشتار مردم! امروز



با چشم باز در افق خونین کردستان

از صبح تا ظهر آموزش رزمی و انفرادی می دیدیم بعد از ظهر با یکی از بچه های این پادگان صحبت کردم. از خلال صحبتها این اوضاع سقز را در با فتم پیش از ورود ما و در واقع در همان زمان که در سقز جنگ درگیر بود. در اینجا هم درگیری شدید بوده است. از ارتشی ها بیش از ۴۰ نفر در این درگیری کشته شده اند از آن سونیز تلفات زیاد است مردم بسیار محترمانه کشته شده اند، اجساد در شهر انباشته شده و بیوی تنگن شهرا فرا گرفته است بورش آنچنان بوده که اکنون دیگر خانه ای سالم باقی نمانده است. باقی مردم خانه و کاشانه اشان را ترک نموده و کوچ کرده اند. بهتر بگویم، آواره شده اند. در شهر حتی یک نفر هم نیست. و اکنون شهر درست ارتش و پاسداران است! شهر که نه، درو- دیوار و شهر!

چهار فنوجات سرافرازانه ای میکنند نیرو - های مسلح جمهوری اسلامی می کشند. غارت می کنند. خلق را آواره میکنند و اسمش را میگذارند: جهاد در راه خدا! ای قدر نفرت انگیز است که از اعتقادات و مذهب مردم اینطور سوء استفاده میشود.

۱۹ اردیبهشت

بیشتر ما همان به تماشا می برویم و زهلیکوپترها میگردند. امروز بعد از ظهر تعداد هلیکوپترها افزایش یافته است. ارتش و پاسداران در زمین نمیتوانند جنگ را به پیش ببرند. سقز از نیروی هوایی هر چه بیشتر در دستور قرار میگیرد. پیشمرگه در خاکش، عاقبتا نه می جنگد و راه پیشروی اینان را سد میکند. سپس از هوا بر او، بر مردم زحمتکش کردستان، آتش میبارند تا بداند و تابشان در آورند.

دیشب بین افراد دبحی در گرفته بود. چند نفر از سربازان عقیده داشتند که کردستان را باید از نوشم زد و ما آن را با خاک یکسان کرد! سرباز حرف میزد و توده مردم کرد را لای چرخهای تانک نمی دید که با خاک شخم می خورند، لسه میشوند، کشته می شوند و آواره میگردند. آری او اینها را نمی دید. زیرا مغزش را با دروغها بی از قبیل "جنگ با کفار" و... پر کرده و بجای آن این افکار ضدا نسانی را در آن کاشته اند. بدتر از همه این است که مخالفت کردن با این حرفها نیز مشکل است به محض مخالفت یک مارک "کمونیست" و "منافق" بر روی شخص می چسباند و کارش تمام است. به درجه داری که با طر حرفها میم سرا "کمونیست" می نماند گفتیم: "ما با ایدان نقلیما ن را ادا میدهیم و آن را به پیروزی برسانیم. نه آنکه دهها نما را ببندیم و حقا بق را نکوئیم." آیا میروید میخ آهنینی در سنگ؟!

(ادا مه دارد)

این سطوری است از شعر "از یافا به کردستان"، که آن را شاعر شهید عراقی احمد ابونضال معروف به "روشن" در باره کردستان عراق سروده است. او بدست جلاخان بعثی پس از شکنجه های سخت در زندان به شهادت رسید. شعر را از دیوان او بنام "با زکشت پیروز مندا نه پرنده بلشویک" سرگزیده و ترجمه کرده ایم:

از یافا به کردستان (۱)

است! ای کشتی های سکوت و سازش، اینک میهنی را یکبار چه بخون میکنند. و آنگاه که صحرای گسترده بین کردستان و فلسطین ایندوزا بهم می پیوندند به مسیحی و ا حدمیما ندکه بر ملیب اش کشیده اند بشکنید! بین جا مه ای سیزرا ای خوا بزدگان!

و ازینا هگا ههای غار ما تندتاندن بدر آشد! گوش کنید: اینک خمپاره ای در نسطیه (۲) منفجر شد که بنمبه دیگرش را در "زوزک" (۳) بافتند و سمنی بشکل اسباب بازی کودکی فلسطینی را کشت اما کودک کردستانی به آن دست نزد، زیسرا ده سال است که با آن آشناست. زیتونهای کردستان از لابلای دیوار سربزه ها سر برخواستند و خوش را در طبعی ساخته از سال "بزدگان مرگ" به شما تقدیم خواهد کرد

- (۱) - "یافا" شهری در فلسطین اشغالی است.
- (۲) - شهری در جنوب لبنان که همواره در معرض حمله صهیونیستهاست.
- (۳) - "زوزک" در کردستان عراق که مارها مورد بمباران قرار گرفته است.

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ ...

اقدام مثبتی از آنها ساختارند بسیار رسیده - ترا زهیت حاکمه های فذخلق است که قبلا انقلابی بوده و استحالیا فته اندویا مثلا تبلیغ ارتداد درویزیونسم حزب توده با تبلیغ ارتداد فدائیان (اکثریت) در میان هواداران نشان که سابقه انقلابی فدائیان (اکثریت) (قبل از تبدیل شدن به عامل بورژوازی) در ذهنشان وجود دارد، تفاوتها و بیجیدگی ها می دارد.

لنین در هنگام مبارزه با "جبرو" های انترناسیونال دوم، در بحث مربوط به لزوم تبلیغ مواضع کمونیستها حتی در پارلمانهای ارتجاعی از طریق شوکت در آنها میگفت: "تصور نشود آنچه برای ما کهنه شده است، برای طبقه، برای توده ها هم کهنه شده است." (۲)

لنین تجربیات توده ها را بحساب می آورد و به این خاطر حتی به کمونیستها توصیه میکرد که در اتحادیه های زرد نیز شرکت کنند. استالیس چه زیبا میگوید:

"ما باید توجه داشته باشیم که چه بسیار تجربیات توده ها که اکنون کهنه و بی ارزشند و چه احساساتی که نا پسند و مخالف مصالح انقلابند، اما اگر ما اهمیت عظیم بحساب آوردن این خلق و خوی توده ها را در امر کار نقد تبلیغ نشانسیم، مبلغین خوبی نخواهیم بود."

انحرافات رویزیونیستی و آثار رشیستی در مورد شناخت نقش احساسات توده ها در تبلیغ

رویزیونیستها طبعی است که نمیخواهند خشم و اعتراض توده ها، آگاهان نه بر ضد سرمایه داران ظغیان کند، آنها میکوشند همچون دیگر طبقات استشارگر، بر غرایزنا پسند توده ها (رکود و تسلیم ...) سوار شوند، آنها در مقابل این غرایز سجده میکنند و از ظغیان توده ها می هراسند و میکوشند مانع آن شوند، حتی زانیکه خشم توده ها خود بخود ظغیان میکنند و کمونیست ها موظفند در عین حال که این خشم و ظغیان خود بخودی را تحسین و تاشید میکنند، آنها را بسا آگاهی بیا میزند، این دشمنان سرخسخت کمونیسم میکوشند آب سردی بر روی احساسات انقلابی توده ها بریزند، آنها روحیه ترس و زبونی و اطاعت از بورژوازی را تبلیغ میکنند، بخاطر داریم که چگونه حزب خاخن توده در مورد قیام خونین بهمن ۵۶ تبریز، نفرت خود را از بسا خاستن و ظغیان خشم توده ها ابراز داشت، حزب توده، الهیب آشفشان خلق را که نهادهای سرمایه داری وابسته را میسوزاند، به ساواکیها و رازل و اباشی نسبت میداد که میکوشیدند نظرات مسالمت آمیز و قانونی (قانسون آریامهری!) مردم را بهم بزنند. (۳) و یافنداشیان در بحبوحه یورش رژیم به ترکمن صحرا و کشتار خلق بجای تبلیغ مقاومت مسلحانه در میان توده ها

می که در دوران انقلابی سر میبردند - تبلیغ و ادادگی و انفعال سیاسی برداختند و توده ها را به عقب کشیدند، در حالیکه کمونیستها به استقبال روحیات انقلابی توده ها میروند و میکوشند تا آن را با علم انقلاب درهم بیا میزند، کمونیستها در مقابل غرایز توده ها تعظیم نمی کنند، آنها می شناسند تا جهات منفی اش را با تبلیغ درهم کوبند و جهات مثبتش را بیدار و هشیار گردانند.

آثار رشیستها بظواهر احساسات انقلابی توده ها را میسازند و در تب و تاب آن میسوزند، اما نمیدانند چگونه این روحیات انقلابی توده ها پدیدار میشود و علاوه بر آن هنگامی که این روحیات پدیدار شد، در مقابل آن تعظیم میکنند و نمی کوشند تا آن را با سوسیا لیسم علمی بیا میزند، رویزیونیستها در مقابل روحیه رکود و تسلیم توده ها تعظیم میکنند و آثار رشیستها در مقابل خشم و غضب خود بخودی توده ها! و در هر دو حالت آشفشان شور انقلابی توده ها بسا سوسیا لیسم علمی نمی آید و در سرمایه داری را نشانه نمی رود، آثار رشیستها درک نمی کنند که یکسری دلایل عینی و مادی برای پیدایش احساسات انقلابی توده ها لازم است و تا رسیدن توده ها به این دورانی انقلابی با یستی در میان توده ها صورت نهد، تبلیغ کمونیستی پرداخت و آنها را حول مسائل ملموس نشان تهیه کرد، آنها نمی فهمند که بحران انقلابی است که روحیه انقلابی را در پی دارد، آنها تهیه توده ها را می خواهند، اما نمی فهمند چگونه باید توده ها را تهیه کرد و به اقدامات تهیهی مصنوعی بنا میبرند، لنین در چه باید کرد بخوبی وجهتسا به اکونومیستها و تروریستها (که دو وجه از رویزیونیسم و آثار رشیسم می باشند) را در این زمینه نشان میدهد، یکی در مقابل احساسات خود بخودی تسلیم و رکود و نیاز و دیگری در مقابل خشم آتشین خودشان و هر دو تبلیغ کمونیستی برای ارتقاء توده ها و بیدار کردن احساساتشان را راه میسازند، آثار رشیستها رابطه دیاکتیکی میان تبلیغ و روحیات توده ها را در هر زمان درک نمی کنند، آثار رشیستها نمی فهمند برای آنکه روحیات توده ها را تغییر داد و آنها را بسوی انقلاب رانند با یستی این روحیات را شناخت و در تبلیغ بحساب آورد

آثار رشیستها تبلیغشان در دوران رکود، اعتلا انقلابی و موقعیت انقلابی همیشه یکسان است، آنان به طوطی می مانند که همیشه یکجور حرف میزند، احساسات توده ها چگونه است؟ مهم نیست و توهم توده ها در چه سطح است؟ مهم نیست و چنین است که از توده ها متفرد میشوند و تنها میمانند، مسئله مهم در اینجا است که آثار رشیستها نه تنها روحیات توده ها را در نظر نمی گیرند بلکه در صدد آگاهی بخشیدن به احساسات انقلابی توده ها نیز نیستند، آنها سوسیا لیسم علمی را با روحیات انقلابی توده ها نمی توانند با بقول لنین نمی خواهند در هم آمیزند، آنها

فقط فکرتهیج مصنوعی توده ها هستند - آنها رشیست به آن قوزی بیچاره ای میمانند که شنیده است اگر چنهارا خوشحال کنی، آنها قوز او را بر میدارند و قوزی مانگامی که به دیدار "جن ها" میبرود، بی آنکه روحیات آنها را بداند شروع به رقص و شادمانی میکند و چنین میشود که رشیس چنهارا که تنها فرزندش در آن روز مرده بود از فرط خشم قوز دیگری نیز بر پشت قوزی ما می نهند و "قوزنا لاقوز" میشود.

فرا موش نکرده ایم که چگونه معتقد به مشی جریکی در دوران رکود، اعتلا و موقعیت انقلابی هم چنان شعار مبارزه مسلحانه را تبلیغ میکردند و حتی الان هم میکنند! (گروه اشرف دهقانی بدون توجه به روحیات توده ها، کماکان شعار هسته های مسلح در همه ایران را میدهد) بی آنکه روحیات توده ها را در هر دوران در نظر بگیرند و بدین ترتیب در این دورانها از توده ها جدا می افتند و برای بدست گرفتن رهبری توسط طبقات غیر پرولتری بازمی شود آثار رشیستها بجای توجه به روحیات توده ها، روحیات خود را در نظر میگیرند و آثار مبارزه را در هر دو می افتند و برای بدست گرفتن رهبری توسط طبقات غیر پرولتری بازمی شود آثار رشیستها بجای توجه به روحیات توده ها، روحیات خود را در نظر میگیرند و آثار مبارزه را در هر دو می افتند و برای بدست گرفتن رهبری توسط طبقات غیر پرولتری بازمی شود آثار رشیستها بجای توجه به روحیات توده ها، روحیات خود را در نظر میگیرند و آثار مبارزه را در هر دو می افتند و برای بدست گرفتن رهبری توسط طبقات غیر پرولتری بازمی شود آثار رشیستها

پاورقی

- (۱) - نقل قول لنین از کتاب علم انقلاب لنین و روانشناسی اجتماعی آورده شده است.
- (۲) - لنین، بسیماری کودکی جبروی
- (۳) - نوید، ۹ اسفند ۵۶

بقیه از صفحه ۱۹ اطلاعیه ...

گسترش را حفظ بنما سوار این مهمتره جمع بندی گذشته خویش بپردازد و جگایه خویش را در جنبش مشخص کرده و چشم انداز حرکت خود را تعیین نماید خواست با سخگوشی به نیازهای جنبش با توان و امکانات گروه هخواهانی نداشت، دیگر گروه فعالیتهای خردگاران به سر رسیده بود، اما گروهی توجه بدین امر حتی اقدام به انتشار نشریه تبلیغی سیاسی میکند.

انتشار نشریه توسط رفقای گروه مورد اعتراض قرار میگیرد و بعنوان امری خردگاران و در خدمت تشدید پراکندگی مورد انتقاد قرار میگیرد و به همین جهت انتشار نشریه از شمار متوقف میگردد.

در این زمان انتقال دبه عمل کرد گذشته و درک عمیق تر از ضروریات جنبش و اسفنداشتت و پراکندگی جنبش کمونیستی در شکل، افزایش مییابد، مرکزیت برای جمع بندی و تعیین سیاست مشخص آینه، نشست کنگره گروه را فرا میخواند تا در رابطه با ضعفهای شکل و چشم انداز حرکت به بررسی و تصمیم گیری بپردازد، کنگره در سه زمینه به بحث میپردازد. (ادامه دارد.)



جنگ ایران و عراق و تشدید رقابت‌های امپریالیستی

جنگ ایران و عراق به امپریالیسم امکان داد تا بسیاری از کسب‌وکارها را بشویند، رقابت‌های تسلیحاتی فزاینده بسیاری ایجاد کند و نفوذ و حضور خود را در منطقه گسترده تر نماید.

اوضاع خاور میانه منطقه‌ای است که خلیج فارس و حاشیه‌های نفت آن می‌تواند مورد توجه امپریالیسم‌ها قرار گیرد. او حکمرانی مبارزات انقلابی در منطقه و بخصوص در ایران و رقابت‌های امپریالیستی هر یک از حاکمان و فرمانداران تا به حرکت نظامی سیاسی و سبقتی دست برد. در جریان جنگ ایران و عراق بود که امپریالیسم آمریکا چند فرونده هوایی آواکس به عربستان سعودی تحویل داد. این هواپیماها که در خدمت هواپیماهای غول بیکروشنک میباشند تنها قادر است تمام منطقه را تحت کنترل و حاکمیت خود درآورد بلکه هواپیماهای جنگی نیز می‌توانند آواکس که مدرنترین هواپیماهای جنگی غرب است و حدود دویست میلیون دلار قیمت دارد، قادر است با سیستم‌های رادار خود موشک‌هایی را که در ارتفاع کم پرواز کرده و غالباً توانایی گریختن از کنترل رادارهای معمولی را دارند مورد تعقیب قرار دهد. این هواپیما بین هواپیماهای جنگی و اشیا "بیرنده" دیگر فرق گذاشته می‌توانند با موشک‌های خود هواپیماهای حریف را از زمین ببرد. استقرار این هواپیماها در عربستان به امپریالیسم آمریکا اجازه می‌دهد تا در صورت تشدید درگیری‌ها در منطقه و گسترش رقابت امپریالیسم شوروی و بمقابله فعالتری اقدام نماید.

اما در برابر این اقدامات توسط امپریالیسم نیز می‌تواند به دست می‌زند. در مقابل تحویل آواکس‌ها، شوروی نیز هواپیماهای تجسی بسیار پیچیده‌ای را در منطقه کسب می‌دارد. این هواپیماها با سیستم‌های پیچیده راداری و اداری دستگاه‌های خیرگی مجهز شده می‌توانند بر ارتباطات میان آواکس و سیستم‌ها

های راداری آمریکا و هواپیماهای کاموس - اس - ۱۹۷۶ نظارت کنند. این هواپیماها که از نوع سوپرفون ۹۵ می‌باشند در ارتفاع‌های نظامی بالای در منطقه استقرار یافته‌اند. علاوه بر این هواپیماهای فوج مدرن جنگ ۲۷ خود را سردرمانده مستقر نموده‌اند.

در کنار این فعالیت‌های امپریالیستی، اقدامات دیگری سردر جریان است. در حال حاضر ساندنا و کابلهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، اسرائیل که در سطح فارس و افغانستان می‌باشند مستقر می‌باشند. بطور مثال تا کنون در حال صورت بوده و اطلاعات جاسوسی و تکنیکی مربوط به حرکت با و هار را تا کنون در دسترس دارند.

اما در آن در شرایط فعلی یک سروری رزمی ناوگان هفتم امپریالیسم آمریکا و یک سروری صریح انگلیس در حال انجام مأموریت‌ها در سواحل مرکزی و شمال غربی افغانستان هستند. در اس ما سور ۲۵ کشتی جنگی ۱۷۰۰ هواپیما و ۱۸ هزار پرسنل سروری در پاسی مرکب دارند. سروری سراسری در پاسی خود را صورت گرفته‌اند. ناوگان جنگی سروری در پاسی همدر مرکب از ۲۶ تا ۲۸ ناو است که ۱۴ تا ۱۶ فروند آن کشتی جنگی می‌باشد و ما بهی آن حساسی ۵ زبردانی است که موجب فرود آن حساسی هستند.

در واقع امپریالیسم‌ها اگر این کمک‌ها را در در پاسی متقابل خود موقعیت امپریالیستی آنان را در منطقه و خلیج تحکیم نمایند از سوی دیگر سواحل جنوبی خود را برای مقابله با حش خلفهای منطقه آماده می‌نمایند. اما ...

لهستان: مبارزات کارگران و وظایف کمونیست‌ها

در ماه‌های اخیر اعتمادات و مبارزات کارگری لهستان را لرزاند و حکومت بورژوا - روبرو - نیست این کشور را دستخوش بحران نمود. فشار این مبارزات حق طلبانه منجر به سرکنازی ۱۴ عضو کمیته مرکزی حزب، برکناری "ادوارد سابوچ" نخست وزیر و سقوط "ادوارد گبرک" دسرگسل روبرو نیست حزب گردید. کارگران با اتکا به مبارزات خود توانستند رژیم ارتجاعی حاکم را به عقب نشینی وادار ساخته و امتیازاتی بجنبش آورند. از جمله این امتیازات حق اشتغال جدید در اتحادیه‌های تمام کارخانجات بسارای مخفی و تعداد کاندیدای نام محدود، حق اعتصاب حق تشکیل اتحادیه کارگری مستقل برمیست شناختن "کمیته مشترک اعتماد" از طرف دولت و... بود. بدنبال این عقب نشینی و ایمن امتیازات، کارگران به اعتماد خود پایمان

دادند. اما بورژوازی حاکم در پی احزاب ایمن امتیازات نبود و به همین خاطر تمام کارگران لهستان به عنوان اعتراض به خودسری دولت بطور سمبولیک دست به یک اعتصاب یک ساعته زدند. در برابر این فشار، روبرو نیست‌های عوام فریب به رهبری استانیسلاوکا بنا دبیرکل جدید حزب دوازده قول مدهند که دولت به وعده‌های خود وفا خواهد کرد.

اما با بورژوازی به خواست طبقه کارگر سراجی کردن می‌نهد؟ هرگز! بورژوازی هرند می‌را که زبرفتا رحنش بوده‌ای به عقب برده‌اند، به بها جم جدیدی علیه پرولتاریا تبدیل خواهد کرد فقط با سرنگونی بورژوازی است که پرولتاریا به حواسنه‌ای طبقاتی خودنا ثل می‌باشد. اما مناسفانه طبقه کارگر لهستان از یک رهبری کمونیستی و قدرتمند دور است. مبارزات فیرمانانه طبقه کارگر لهستان در دوره اخیر از یکسویان حقانیت نبرد پرولتاریا ایمن کشور علیه بورژوازی حاکم می‌باشد. از سوی دیگر ساندنا که آن است که اس مبارزات فادیک رهبری کمونیستی و سرور زبندی می‌باشد و پرواض است که اس ضعف اساسی امکان مدهندنا حرانات بورژوازی بر حش کارگری سوار شوند و آن را به انحراف نگشاندند. اس ارتباط و قلیع اخیر در لهستان درس آموز است: در واقع از جمله حرباناتی که در حش کارگری لهستان نفوذ دارند "کمیته برای دفاع فردی و اجتماعی" (KOR) می‌باشد. که در سال ۱۹۷۰ بعد از سرکوب و گشتا رکارگران توسط روبرو نیست‌ها به رهبری "گومولکا" بوجود آمد. این کمیته دارای ترکیب ناهمگون بوده و در درون آن روشنگران بورژوا - لیبرال نیز وجود دارند. در واقع از ابتدای اعتمادات، این کمیته کوشش کرد تا مبارزات کارگران به یک مبارزه انقلابی علیه حکومت تبدیل نشود و از شکل مسالمت آمیز خود فراتر نرود و علاوه بر خواسته‌های این مبارزات به درخواست‌های صنفی و سیاسی معین محدود باقی ماند. علاوه بر توجه به نفوذ افکار مذهبی در میان کارگران که بسیار یکی دیگر از خباخته‌های روبرو نیست‌ها می‌باشد، کلیسای کاتولیک کوشش کرد تا از این زمینه ذهنی سود جست و کارگران را به آشتی و صلح با بورژوازی حاکم بگشاند و روشن است که کوشش‌های جریان بورژوا - لیبرالی فوق و روحانیون مرتجع در میان کارگران بی اثر نبود: این جریان کوشیدند تا با کسب امتیازاتی چند، مانع از پیشروی با زهم بیشتر جنبش گردند و در میان کارگران افکار ارتجاعی مانند آزادی فعالیت کلیسای "دمکراسی" را رواج دهند.

طبقه کارگر لهستان در مبارزه علیه بورژوا - روبرو نیست‌های حاکم بدنبال دمکراسی گتدیده بورژوازی نمی‌باشد. او از ستم طبقاتی بورژوازی حاکم به ستم آوده و به مبارزه برخاسته است. خواست حقیقی پرولتاریا استقرار سوسیالیسم و دمکراسی پرولتری از طریق یک انقلاب اجتماعی بقیه در صفحه ۲۹

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست پاسخی به لاطائلات روزنامه اطلاعات

نما بیندگی از حزب جمهوری اسلامی وکل رژیم، طی نطق خود در آمریکا، فقط منتظر آن است که آمریکا توبه کند، اش را روی کاغذ بیاورد و گرنه عملاً "توبه کرده است و میگوید که آمریکا با این توبه" "تکا مل معنوی" میباید، و با این حرف درک بسیار رنازل و عامیانه از (در واقع سازش طبقاتی خود با) امپریالیسم آمریکا را نمایش میگذارد، از کسانیکه با کوشش و شوطه در راه صدور انقلاب خودشان دادند که به تخریب انقلاب خلقی ایران بسنده نمیکنند، بلکه در تخریب انقلاب دمکراتیک دیگر خلقهای منطقه هم مصمم هستند،

از کسانیکه

آری ما از چنین حاکمیتی که نه نما بینده زحمتکش، بلکه نما بینده منافع طبقات و اقشار عقب مانده است انتظار داریم جز این نداریم. دشمن طبقاتی خود را خوب تشخیص میدهند غریزه طبقاتی در چنین حکمی را ما ندیدیم که در سرمقاله ای دیگر نوشته اند "اینها را با پیدا زدم تبع گذارند..."

آری هر کارگر و زحمتکش ایرانی و عراقی که به عواقب مصیبت با این جنگ بین دور رژیم ارتجاعی نگاه کند چاره ای جز محکوم کردن آنش از روزان ندارد.

شما چرا از ویرانها و کشتارهایی که بر علیه زحمتکش عراق بوجود آورده اید بدسخن نمیگوئید مگر خلیبانان شما نبودند که وقیحانه در تلویزیون میگفتند:

"هدف را چنان نشان گرفتیم که "عملها" بی عراقی که چاره را صاف میکردند فرصت دور انداختن بیل و کلنگشان را نکردند "چرا آنها سخن نمی گوئید؟ و مگر همین خلیبانان "عفو خورده" شما نبودند که پس از بمباران شهرهای عراقی مصاحبه میکردند و خود را "کربلائی" مینامیدند؟

رژیم ضد خلقی و خونخوار عراق را ما پیوسته افشا کرده ایم و مبارزه انقلابی کارگساران و زحمتکش و نیروهای انقلابی عراق بر علیه رژیم عراق را با تمام وجود تا شیدمی نمائیم. مبارزه ما با ارتجاع منطقه منجمله رژیم صدام - حسین نه مانند شما از طریق حزب آمریکا شیئی الدعوه و بیکار اسلامی، نه از طریق حمایت از فرزند آیت الله حکیم که خود پدرش مورد حمایت رژیم شاه و رژیمهای ارتجاعی عراق قرار داشتند، نه

بقیه در صفحه ۲۱

"غسل تعمید" داده آنرا "حر" نامیدند، از کسانیکه با سازش با امپریالیسم آمریکا، مانع اتما موبه شمر رسیدن انقلاب دمکراتیک صدامپریالیستی خلقهای ایران شدند،

از کسانیکه نیروهای انقلابی درون ارتش و همافران قیام کنند ۲۲ بهمن را به "سزای جاسران" رساندند و چون روح رزم آوری در آنها نرساغ کرده بودند، آنها را منفرد، تبعید یا با کسای کردند،

از کسانیکه پس از بر سر کار آمدن کمر همت به نایب بودی نیروهای انقلابی و کمونیستی بسته و با همین اقدام خود ما هیت ضد انقلابی خود را آنکار نمودند،

از کسانیکه ما به امپریالیسم آمریکا در سرکوب چپ هند و بویا وجود این خود را "فدا میریالیست" مینامند،

از کسانیکه در مبارزاتی نظامی سرمایه داری وابسته و حمایت از منافع زمینداران بزرگ هر چه زدستان برآوردند، نجا داده اند،

از کسانیکه تمام حیل و ترفندهای خود را برای بازگرداندن ایران به عصر مشروطه و شیخ فضل الله بکار بردند و قانون اساسی ضد انقلابی خود را در مجلس قلابی و در سایه توهمات توده های نا آگاه به تصویب رساندند و "ولایت فقیه" را چون کلاه گشا بر سر مردم ایران گذارند،

از کسانیکه با اصطلاح "ملت مسلمان" ملت مسلمان ایران را فراموش کردند و "ملت مسلمان فلسطین" مسیحیان آن سرزمین را فلسطینی نمیدانند و با این اقدام خود در حالیکه هیچ کاری برای فلسطینی ها نکرده اند به وحدت ملی آنان ضربه میزنند،

از کسانیکه سر کرده ها شان مثل آیت الله دستغیب (شیراز) و خامنه ای (تهران) و دیگر سران مردم بی پناه خوزستان را که از توپ و مسلسل و بمبارانهای ناشی از این جنگ ارتجاعی فرار کرده اند خاشاک مینامند، و میگویند به آنها خانه ندهید و به آنها چیزی نغروشید،

از کسانیکه با اقدامات ضد انقلابی خود زمینه ساز کودتا و فعا لیتهای ارتجاعی اویسیها و بختیارها شدند،

از کسانیکه نخست وزیر مکتبی شان، به

سرمقاله روزنامه اطلاعات مورخه ۲۷ مهر به فحاشی، کینه توزی، دروغبانی و تهدید علیه سازمان ما اختصاص یافته است. مورد حملات دشمن - ارتجاع - قرار گرفتن فی نفسه چیز بی نیست، و نشان دهنده آن است که موضع گیری ما درست روی نقطه حساس در دست گذاشته و ما هیت ارتجاعی و ضد خلقی رژیم را از برده بیرون کشیده است.

بدن سال درگیری جنگ ارتجاعی بیسن دور رژیم ارتجاعی ایران و عراق ما موضعی اتخاذ کردیم که متکی بر درک ما هیت جنگ، ما هیت طرفین جنگ و قضاوت در باره آن با زویا یگان جنگ از دیدگاه منافع طبقه کارگر و زحمتکشان میباشد. این یک نقطه عزیمت کمونیستی است که ما کوشیده ایم در موضع گیری ما در قبال این جنگ ارتجاعی از آن حرکت کنیم.

روزنامه اطلاعات که یکی از بوقهای تبلیغاتی در دست ارتجاع حاکم است با منطق فحاشی و دروغ و خط و نشان کشیدن با موضع گیری ما سر - حورد کرده است. با منطقی مستدل ترو قانع کننده نرا زدشتا میهای زیر جهت مقابله تبلیغاتی با نیروهای انقلابی در دست ارتجاع هست؟ توجه کنید:

"کرو هک وحشی که شاه کاری دیگر ببار آورده،

"در خیانت و بی شرمی سنگ تمام گذاشته، فاحشه های سیاسی مزدوری که آمریکا آنها را به مزایا داده است،

"ما چرا جویانی که بنوعی ما زکبیم - لنینیسیم! اوگانگستری! ایما ن آورده اند،

"یاد دهای آمریکا،

"خاشاکان شمار یک و ... و ..."

این ناسزاها که نشان دهنده طبقه تشریفاتی مرتجعین بقدرت رسیده علیه کمونیستهاست ما را بهیچوجه نگران نمیکنند. ما از کسانیکه زنبسه این جنگ را فراهم آورده اند و در باج دهنمی سوزان که توده های زحمتکش ایران و عراق و سرمایه های ملی دو کشور را به آتش میکشد سهمیم هستند، انتظار داریم جز این نداریم.

ما از کسانیکه به کشتار عامه هکده فارنا و کانی ما میدویدند و لانتان آفرین گفتند،

از کسانیکه کشتار کارگران درود و اندیمتک را تا شید کردند،

از کسانیکه علام دروغین روز قدس و حمایت از فلسطین را بهانه ای برای لشکر کشی به کردستان قهرمان نمودند،

از کسانیکه فرماندهان ارتش آمریکا شیها را در پستهایشان ابقاء کردند تا ارتش سرکوبگر خلقهای ایران و وظفان را برای سرکوب در کردستان و خوزستان و ترکمن صحرا همچنان حفظ کنند،

از کسانیکه همین فرماندهان را یکشنبه

رژیمهایی که خلقهای کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

نگاهی به : جنبش کمونیستی در عراق و خیانت روپزیونیستها (۱)

در پی مقالات کوتاهی که در شماره های گذشته آمدوبه ترتیب "وضع اقتصادی"، "جنبش و اقتصادات فدا خلقی رژیم حاکم بر عراق"، "ظهور و سقوط حزب بعث" را به اختصار مورد بحث قرار میداد، در ادامه شما را به جنبش کمونیستی عراق و در ادامه آن به نقش خیانت آمیز روپزیونیستها میبردیم و خواهم دید که کمونیست "بهر کجا که روی آسمان همین رنگ است!"

۳۱ مارس ۱۹۲۴، یعنی ۴۶ سال پیش، حزب کمونیست عراق پایه گذاری شد. او چگیری جنبش دموکراتیک و فدا میریالیستی خلقهای عراق که از سال ۱۹۲۰ علیه انگلیس ها و عمال داخلی - شان ابعاد تا زهای یافته بود و نیز نقش پیگیرانه و مجدانه طبقه کارگر و کمونیستها در جنبش انقلابی و دموکراتیک، زمینها ساز داخلی بنیاد نگذاری حزب بود. همچنین پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکثر و استقرار نظام سوسیالیستی در اتحاد شوروی چشم اندازهای نوینی را از تئوری و پراتیک - انقلابی و کمونیستی فراروی طبقه کارگر و پیش - تازان آن در سراسر جهان - منجمله در عراق - میگذاشت.

امیریا لیسما انگلستان که بیس ارجن - جانی اول، میراث خوار امپراطوری عثمانی شد، در سال ۱۹۲۰ به این کشور وارد گردید و عراق از جنگ عثمانی خارج نشده به صورت یکی از ایالات هند بریتانیا (تحت اداره نایب السلطنه انگلیس در هند) درآمد. "فئودالیسم و بورژوازی وابسته (کمپرادور) عراق بزودی سلطه بریتانیا را پذیرفتند و با آن همکاری فعال نمودند. انگلیسیان به منظور تحکیم مواضع سیاسی خود، کمپرادورها (۱)، اشراف فئودال و قبایل و نیز (بخشی از روحانیت بویژه شیعیان) را در اداره کشور شرکت دادند و آنها را با دادن مقسوری، مداخل و کمک مالی اغوا نمودند. (تاریخ عرب در قرون جدید، ص ۳۸۱ برانتز اول از ما ست)

بلخاطه بدنبال ورود انگلیسی ها به عراق (۴۰ ژوئن ۱۹۲۰) بمدت ۶ ماه شورش سراسری ادا می یافت. در این مدت جنگ داخلی سراسر عراق را فرا گرفته بود. انگلیسی ها با اعراب و کشتارهای دستجمعی، بازداشتها و تبعیدها و شکنجه ها سعی در خفه کردن جنبش خلق داشتند. این واقعه ای بسیار مهم و افتخار آمیز در تاریخ خلقهای عراق است. سیاست حیل گرانه استعماری انگلیس بابت کناره بردن فرماندهان نیروهای انگلیسی در عراق و بکارگماردن "روبا هی - بنام "سرپرستی کاس" مقدمات ایجاد دیکتاتوریت سلطنتی تحت الحما یه را در این سرزمین فراهم آورد و بدین ترتیب فصل اول را که از خاندان سرسپرده "شریف مکه" بود بر تخت پادشاهی عراق

نشاند. تحت الحمایگی عراق که تا سال ۱۹۵۸ طول کشید با راه بوسیله پیمانهای دوجانبه بین انگلیس و دولت دست نشانده اش در عراق و به دستگیری مزدورانی چون "نوری سعید" تحکیم شد، مثل پیمان ۱۹۲۲ و پیمان ۱۹۳۰ و پیمان پورتسموت ۱۹۴۸.

کمونیستها پیشاپیش دیگر نیروهای مبارز دینیه مبارزه فدا میریالیستی و استقلال طلبانه و نیز در راه از بین بردن عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی حرکت میکردند. علیرغم آنکه حزب چند ماه پس از تاسیس در معرض ضربه قرار گرفت، توانست در قیام بصره شرکت فعال نماید. حزب تظاهراتی نیز در ژوئیه ۱۹۲۷ در حمایت از خلق فلسطین بر پا کرد، تظاهراتی که در شرایط سرکوب و خفقان شدید دوران "نوری سعید" و در مقابلها به توطئه های شوم امیریا لیسما و انگلیسی در فلسطین تا شیر قایل توجهی در جنبش دموکراتیک و ضد امیریا لیسما و خلقهای عرب بر جای میگذاشت.

در همان سال است که کمونیستها طی برنامه ای از ضرورت اتحاد خلقهای عرب و کرد سخن میگویند و شعار: "بصره تا خدایا خلقهای عرب و کس سرد، استعمار در هم خواهد شکست" را مطرح مینمایند. حزب قبل از انعقاد اولین کنفرانس سراسری خود بسال ۱۹۴۵ یک مرحله از مبارزه ایدئولوژیک را پشت سر گذاشته و در جریان کنفرانس توانست با تصویب اساسنامه و برنامه حزب بین منافع طبقه کارگر از یکطرف و مبارزه ملی از سوی دیگر پیوند محکم برقرار کرده، تلاش خود را برای ارتقا آگای، سیاسی و وطنی طبقه کارگر متشکل نماید. حزب توانست در تحکیم صفوف طبقه کارگر بکوشد و اعتمایات کارگران نفت در سال ۱۹۴۶ که دو هفته طول کشید و ۱۶ کشته و تعداد زیادی مجروح بر جای گذاشت، نشان دهنده قدرت حزب در سازماندهی طبقه کارگر عراق میباشد. همبستگی توده ها با کارگران و فریادهای "مرگ بر خفقان و اعراب" تا شیر عمیقی بر سیر جنبش کمونیستی عراق بر جای گذارد. توده ها در نتیجه این تجربه مبارزاتی کارگران، اهمیت مبارزات سازمان یافته را بهتر درک کردند. رژیم در مقابل، سرکوب مبارزین را تشدید کرده و عده ای از کمونیستها را دستگیر نمود. این اقدامات و امضای قرار داد پورتسموت با انگلیس بسال ۱۹۴۸ قیام توده ای ژانویه همان سال را بدنبال داشت. کمونیستهای عراق نقش بارزی در این قیام ملی به عهده داشتند. قیامی که سرانجام حکومت دست نشانده

"صالح جبر" را که آن قرارداد دهنکین را امضا کرده بود پیروز مندانه سرنگون ساخت و آن قرار داد را لغو کرد. سطرهای از گزارش یک مورخ را در این باره در زیر میآوریم:

"نه آتش گشودن پلیس بسوی اجتماعات سودی بخشید و نه با زداشت انگیزندگان توان (بیشترشان کمونیستها) روز ۲۷ ژانویه نمایشهای خیابانی به اوج رسید. در آنروز ۷۰ نفر کشته و ۳۰۰ نفر زخمی شدند..." پس از سقوط دولت، با زهم بحران ادا می یافت تاریخ نگاران ادا می دهند:

"در تشیع جنازه ها دانشجویانی که در آن روزها کشته شده بودند پیش از یکصد هزار نفر شرکت جستند و سخنرانان احزاب، خواستار لغو همبستگی پیمان همکاری با انگلیس شدند. در روزهای بعدی همانند آرا می در اوضاع بدیدنیامد. خیابانهای بغداد اما لامسال از جمعیت بود و مردم عملاً کنترل با یخت را بدست گرفته بودند. برچمها و پلاکاردهائی که بر آن شعارهای میهنی نوشته شده بود همه جا موج میزد. تقسیم اراضی میان همه مردم و نابودی بیگانگان" (۲) (از کتاب "در خاور میانه چه گذشت؟")

پیروزی کمونیستها در رهبری تظاهرات کاترگری و توده ای و شرکت تعیین کننده آن در در قیامهای خلق، تظاهرات قابل ملاحظه ای در رشد جنبش انقلابی و کمونیستی در دیگر کشورهای عرب نیز بر جای گذارد. (۳)

یکی از چهره های با زرنجش کمونیستی

عراق، رفیق شهید قهد میباید که در همان سال

۱۹۴۸ دستگیر و همراه با دوشین دیگر از همزمانش

اعدا مگردید. او از بنیاد نگاران و نظریه -

پردازان حزب بود و موضوع گیری انقلابی او در

قبال مساله ملی اعراب علیه صهیونیسم و مساله

فلسطین، حزب کمونیست عراق را در بین احزاب

دیگری در جهان عرب، که خود را کمونیست مینامند

مثما یز میسازد.



ادامه بحث را در شماره آینده میخوانید...
پاورقیها
(۱) - در مورد میزان رشد سرمایه داری در عراق که برای مقاله حاضر ضوابط اهمیت هم داشته است، متأسفانه منابع قابل توجهی در دست نداریم.
پیچیده در صفحه ۲۰

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم!

در چین رویزونیستی چه میگذرد؟ (۲)

در شماره قبل تغییرات و تحولات درون حزبی را بطور مختصر توضیح دادیم و از تقویت جناح ارتجاعی تنگ ستانگ و پینگ صحبت نمودیم. در اینجا میکوشیم نگاهی به مشی عمومی رویزونیست - های سه جهانی در چین بیاوریم.

رویزونیستهای خیانت کار زمانی که در چین به قدرت رسیدند برای اعاده سرمایه داری اساساً همان راهی را در پیش گرفتند که رویزونیستهای خروشچی در برابر خود تکرار دادند. آنان در عین حمله به سیاست و ایدئولوژی پرولتاریا به اقتصاد سوسیالیستی نیز تهاجم نمودند. اگر رویزونیستهای خائسن خروشچی تحت پوشش "ساختن کمونیسم در ۲۰ سال آتی" به اقتصاد سوسیالیستی شوروی حمله کردند، رویزونیستهای سه جهانی تحت پوشش "چهارم رنیزاسیون" (صنعت، کشاورزی، دفاع ملی، علم تکنیک) و تیدیل چین به کشوری نیرومند دستاورد های سوسیالیسم را مورد تهاجم قرار دادند. سه جهانی های مرتد برای آنکه مبارزه طبقاتی پرولتاریا را خفه سازند سیاستهای کمونیستی را دهن کنند مطرح کردند که جامعه سوسیالیستی مبارزه طبقاتی پرولتاریا محور فعالیتهای حزب را تشکیل نداد و برای رشد اقتصاد باید به متخصصین و تخصصی و فن تکیه کرد و تکنولوژی مدرن را از خارج تأمین نمود. ما براساس واقعیت چیست؟

روشن است که در یک جامعه سوسیالیستی تخصص و فن امر مهمی در جهت انکشاف تولید سوسیالیستی بشمار میآید، ولی مسئله اساسی اینجاست که آیا متخصصین سفید و رویزونیست هدایت امور را دست خواهند داشت یا متخصصین سرخ؟ که آیا با آنها به پرولتاریا تکنیک را رشد باید داد یا با آنها، که امریالیستها؟ که آیا رشد اقتصاد به قیمت نابودی دیکتاتوری پرولتاریا و مشی و سیاست پرولتاریا تحقق خواهد یافت یا با تکیه بر ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا و رهبری حزب کمونیست؟ اقتصاد سوسیالیستی بدون دیکتاتوری پرولتاریا حرف بوج و بیمعناست و روشن است که دیکتاتوری نیز از آنجا لازم است که جامعه طبقاتی است و مبارزه میان پرولتاریا و بورژوازی، مارکسیسم لنینیسم و رویزونیسم ادامه دارد. در جامعه سوسیالیستی تمام فعالیت های حزب باید به حول مبارزه طبقاتی صورت گیرد. زیرا در این جامعه در تمام عرصه های سیاسی، ایدئولوژی آموزش، اقتصاد، تکنیک و مدیریت... مبارزه طبقاتی انعکاس داشته و سیاست و دخط مشی تظا هر پیدا میکند: سیاست و خط مشی پرولتاریا و سیاست و خط مشی بورژوازی. پرولتاریا باید آگاهانه این مبارزه را تا برقراری جامعه بدون طبقه کمونیستی به پیش برد. پرولتاریا اگر مبارزه علیه بورژوازی و نمایندگان

سیاسی آن یعنی رویزونیستها را مست کند و باید دست فراموشی بسیار در شرایط سرگ دیکتاتوری پرولتاریا را فراهم سازد. در حقیقت وجود دیکتاتوری پرولتاریا تجسم بارز ادامه مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی است، حال مسئله اینستکه پرولتاریا این مبارزه را در تمام طول جامعه سوسیالیستی ادامه دهد. محدود کردن مبارزه پرولتاریا به چهارم رنیزاسیون و تولید بیشتر جز خیانت عریان نسبت به پرولتاریا و مارکسیسم لنینیسم چیزی دیگری نمی باشد.

اما رویزونیستهای سه جهانی چه میکنند؟ آنها می نویسند:

"دیگر مبارزه طبقاتی تضاد اصلی در این مرحله نیست... امروز طبقات متخاصم دیگر وجود بی ندارند. دیگر تحت دیکتاتوری قدرتمند پرولتاریا دشمن طبقاتی قدرتمند به طبقه ارتجاعی توسعه یافته ای بدل شده و علقه مقابل به پرولتاریا بر خیزد".

رویزونیستها ادامه میدهند کسانی که معتقدند: "مارکسیسم لنینیسم یعنی حاد نگاه داشتن مبارزه طبقاتی و انقلاب یعنی سرکوب مدام مالکین، دهقانان مرفه و سرمایه داران، روی این اصل قادر به پذیرش تحلیل کمیته مرکزی حزب مینی بر عدم وجود مالکین، دهقانان مرفه و سرمایه داران نیستند... هدف دیکتاتوری پرولتاریا، سرمایه داران وابسته و بوروکرات است." (تغییر اساسی در موقعیت طبقاتی در چین، خبرنامه پکن، شماره ۴۶ و ۴۷ نوامبر ۱۹۷۹)

رویزونیستهای خائن سه جهانی بطور آشکار مبارزه طبقاتی پرولتاریا را بشابه محور فعالیت حزب نفس کرده و خائسانه هستند. دیکتاتوری پرولتاریا سرنگونی سرمایه داران وابسته و تحقق "چهارم رنیزاسیون" میدانند. حال آنکه ما میدانیم هدف انقلاب دموکراتیک سرنگونی سرمایه داران وابسته است و هدف دیکتاتوری پرولتاریا عبارت از مبارزه علیه بورژوازی در طول جامعه سوسیالیستی و استقرار جامعه کمونیستی است. در حقیقت بورژوازی - رویزونیستها با چنین تحلیلی میکوشند تا پرولتاریا را به خواب فریبند و با سرعت هر چه تمام تر سرمایه داری را بطور همه جانبه اعاده نمایند. هدف رویزونیستها از نفی مبارزه طبقاتی بشابه محور فعالیت حزب پرولتاریا و مطرح ساختن "چهارم رنیزاسیون" بشابه محور فعالیت حزب و دفن

کردن مبارزه طبقه کارگر است. رویزونیستها با شعار "چهارم رنیزاسیون" در پی سرنگونی پرچم سرخ بودند و اینک آنان پرچم سرخ را سرنگون کرده اند.

بر پایه این مشی رویزونیستی باند تنگ - هوا برنامه اقتصادی سرمایه دارانه خود را ارائه نموده و پیگیرانه آنرا بکار بسته اند. "اجلاسیه مجلس ملی" چین که در ۶ سپتامبر سال پایان یافت گام مهمی در تعمیق خط مشی اقتصادی بورژوازی رویزونیستهای چینی برداشت. نکات اساسی این برنامه که آمدند؟ رویزونیستهای چینی مانند باند خروشچی به رفاههای اقتصادی روی آوردند. آنان بر اساس این رفاهها نقش برنامه ریزی مرکزی را نفی کرده و به بنگاههای تولیدی استقلال میدهند. در تصمیمگیریهای این اجلاسیه به صراحت مطرح میشود: کارخانه ها از این پس می توانند برای خرید مواد اولیه و هدایت تولید خود بدون رعایت معیارهای برنامه ریزی سالانه عمل کنند. بعلاوه این کارخانه ها تمام سودهای خود را به دولت بردارند. نخواهند کرد و زیرا آنها بخش از سود را در دست خود نگاه خواهند داشت و بالاخره روسای صنایع اجازه دارند به رقابت پرداخته و کارگران را توسط پاداش بر پایه تولید به رقابت وادارند. رویزونیستهای سه جهانی در چین سو در احاکم بر تولید نموده مدبران روسای بوروکراتها و متخصصین بورژوازی احاکم بر کارگران کرده اند و سیستم استثمار مزدوری را برقرار نموده اند. خائسن سه جهانی با نابودی دیکتاتوری پرولتاریا سیستم بانکی چین را در ارتباط مستقیم با روسای بنگاههای تولیدی قرار داده و مسئولین رویزونیست و بوروکرات کارخانجات را تشویق کرده تا در عملیات مختلف با بانک مانند سرمایه گذاری و وام با بهره به معامله بپردازند. بر این اساس بورژوازی های نوین دیکتاتوری نمی بینند از دولت کمک بگیرند بعلاوه مشارکت مالی دولت در بهبود کارخانجات دیگر جانی نخواهد بود، زیرا بنگاههای باید به دولت بهره بدهند. در ضمن در زمینه کشاورزی، کمونها بتوده ای مورد نفی و انتقاد قرار گرفته و آزادی برای کشت خصوصی زمین دهقانان مورد تأیید اجلاسیه واقع شده است.

از دیگر تصمیمات حزب رویزونیست چین در این اجلاسیه عبارتند از: اعطای خود مختاری

بقیه در صفحه ۱۴

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

(قسمت هفتم)

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون
تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

پیکار: رفیق روحانی، فیصل از اینکه من سوالات خودم را درباره ملاقات شما با آیت الله خمینی، مضمون و نتایج این ملاقات در میان بگذارم، میخواهم برای اطلاع خوانندگان نشریه پیکار، از شما بخوام تا درباره عواملی که موجب مسافرت شما در شهریور سال ۴۹ به خارج از کشور گردید توضیحاتی بدهید.

رفیق روحانی: همانطور که اطلاع دارید سازمان مجاهدین ایران، از همان ابتدا یعنی شهریور سال ۴۴ که بنیان گرفت، ضرورت مبارزه مسلحانه و اعمال قهر انقلابی را در قبال دشمنان خلق یعنی امپریالیسم و رژیم مفسور بهلنوی، آسمان یکی از اصول خدشناپذیر اعتقادی اش موردناگدردن را در توضیح اسامی و نقد و رد شیوه‌های رژیم صهیونی و اطلاع طلبانه که در آن زمان از سوی حزب توده و جبهه ملی و نهضت آزادی مورد تبلیغ قرار میگرفت یکی از مباحث اصلی آموزش اعضای سازمان را تشکیل میداد. ۳ سال پس از سازمان‌یابی سازمان یعنی در سال ۴۷، از جمله مباحث مهمی که در درون سازمان و در رده‌های بالایی آن به بحث گذاشته شد، برخورد مشخص با مسئله قهر در شرایط جامعه ایران و با اصلاح تعیین خط منتهی تا کتیکتی بود. در همین سال وظیفه بحثی متوالی و مفصل در جمع‌ها و رده‌های بالایی سازمان، باین نتیجه رسیدیم که بهترین نحوه تدبیر با دشمن و نتیجه انسانی و نتایج آنرا مورد حمله مسلحانه قرار دادن دواستراتژی و ضربات میبایست در شرایطی معنی شود که سازمان تا حد معین و لازمی به کسب آزادی نظامی نائل آمده و در عین حال دشمن کوچکترین اطلاعاتی از وجود سازمان، آزادی نظامی و برنامہ عملیاتی آن نداشته باشد.

من در اینجا نه فرصت آنرا دارم و نه جای آن هست که بخواهم به تقدیر و بررسی دیدگاه و بینش خرد بورژوازی آنروزمان از مسئله قهر انقلابی و مفاهم کتیکتی و استراتژیکی آن و رابطه آن با مبارزه طبقاتی توده‌ها و سطح این مبارزه و همسرازمه راه‌سلفه این دیدگاه و بینش با ایدئولوژی مذهبی و التقاطی سازمان مجاهدین بپردازم. این خود بحث جداگانه و در عین حال بسیار مهمیتی است که باید جداگانه مسودت توجه قرار گیرد.

بهر حال، سازمان مجاهدین خلق، در آن زمان، پس از تعیین خط منتهی تا کتیکتی خود در همین رابطه، مسئله تدارک آزادی نظامی را بطور فوری در دستور کار خود قرار داد و به برنامه ریزی در این زمینه پرداخت. در چهار چوب همسرازمه قرار شد، قیل از هر چیز با انقلابیون فلسطین و در آن زمان از سازمان "الفتح" تماس گرفته شود و شرایط لازم برای آموزش نظامی عده‌ای از اعضا و کادرهای سازمان در اردوگاههای

فلسطینی فراهم گردد. اولین اقدام و کوشش جهت ارتباط و ملاقات با سازمان الفتح توسط خود من صورت گرفت و من موفق شدم در آذر ماه ۴۸ در بیابان "محمود همشوی" نماینده سازمان الفتح (که بعدها بدست عمال صهیونیسم در بیابان به شهسادت رسید)، چندین ملاقات داشته باشم. این ملاقاتها متاسفانه بدلیل عدم پیگیری شهید محمود همشوی به نتیجه قطعی نرسید و بعدها از طریق دیگری

میشد، کوشش وسیعی را برای رهایی آنها آغاز کرد و کمیته مرکزی سازمان که من نیز جزء آن بودم، طی یک نشست خودنصمیم گرفت، جمیع ویژه‌ای را باین کار اختصاص دهد و این جمع بطور مستقل در خود محل یعنی دبی ترتیب آزادی زندانیان را به شکل ممکن فراهم سازد مسئولیت این جمع و فعالیت آن از طرف کمیته مرکزی سازمان مجاهدین بر عهده من گذاشته شد و من در رابطه با این مسئولیت در روز ۱۱ شهریور

- ماد رخلال تماسهای دایمی و در عین حال مخفی که با زندان داشتیم، از برنامه استرداد مجاهدین در بند به ایران و جزئیات آن مطلع شدیم و بطریق فرصت کوتاهی که در اختیار داشتیم (فقط ۲۰ ساعت) موفق شدیم طرح ربودن هواپیمای دوموتوره ای را که قصد داشت مجاهدین اسیر را از دبی به بند عباس منتقل نماید بمورد اجرا گذاریم.
- مراقبها پارها توسط عنصر جاسوسی بنام محمود پنا همان که دستیار تیم ربوختیارد عراق بود و احزاب توده نیز روابط بسیار خوبی داشت و کوشیدند تا ما را با نندن در عراق متقاعد کنند، اما ما که به ماهیت کتیکتی رژیم عراق آشنائی داشتیم، با قاطعیت تمام در برابر این کوشش توطئه‌گرانه آنها ایستادگی کردیم و برنامه‌های پنا همان مزدور و راجه‌ها را نقش بر آب ساختیم و از آنها مصرانه و سرسختانه خواستیم که هر چه سریعتر ترتیب خروج ما را از عراق جهت پیوستن به اردوگاههای فلسطینی فراهم کنند.

بعین تماس با نمایندگان سازمان الفتح در قطر (از شیخ نشین های خلیج فارس) زمینیه ملاقات با اعضای رهبری این سازمان بدست آمد. این ملاقات در اوایل تابستان ۴۹ میان نمایندگان سطح بالای سازمان مجاهدین و سازمان الفتح در عمان (اردن) صورت گرفت و آنها (سازمان الفتح) تعهد هرگونه کمک نظامی را در حیطه امکانها نشان نسبت بمان پذیرا شدند. بدنبال چنین تعهد همگاری ای، تعداد قابل توجهی از اعضا و کادرهای سازمان برای گذراندن دوره آموزش به اردوگاههای فلسطینی گسیل شدند که پس از پایان دوره آموزش نظامی اکثر آنها به ایران مراجعت کردند. در همین رابطه تعدادی از اعضا و کادرهای سازمان که اکثر آنها دانشجویان بیتا زکی فارغ التحصیل شده بودند اوایل تابستان ۴۹ جهت دریافت گذرنامه و سپس پیوستن به اردوگاههای فلسطینی از طریق قاجاق عازم دبی شدند، آنها با تحمل زحمت و مشقات بسیار موفق شدند بعنوان کارگرها چر ایرانی، گذرنامه بگیرند، ولی درست یکروز قبل از مسافرتشان به بیروت یعنی ششم مرداد ماه ۱۳۴۹، شش نفر از آنها در بیابان زردی و هنگام خرید لباس توسط پلیس دبی دستگیر و زندانی شدند.

دستگیری این افراد بلافاصله توسط یکی از اعضای سازمان که بطور تصادفی در دبی از این جریان با خبر شده بود، به تهران اطلاع داده شد و سازمان با توجه به اهمیت حفظ جان این افراد و خطرات دیگری که از این طریق متوجه سازمان

۴۹ به دبی مسافرت کردم و در فرصت کوتاهی این جمع با شرکت شهید رسول منگین قام، مجاهد صادق با دقت با دات در بند دبی، یک رفیق دیگر و خود من در دبی استقرار یافت فعالیت دو ماهه این جمع در دبی همراه با سیرکهای که از طرف دیگر همزمان مجاهد صورت میگرفت، موجب گردید تا تمامی راههای اسنخلاف مجاهدزندان مسودت بررسی قرار گرفته و متاسفانه با نراست و موقعیت های مختلفی که متعاقباً بوجود آمد، هر یک از این طرحها مورد اسنخلاف قرار نگرفت.

مادرا ابتدا در عین حال که شیوه‌های تعرضی و مسلحانه را مورد توجه داشتیم، مسای کار را باین گذاشتیم تا از طریق دخالت عناصر فلسطینی (که در مقامات دولتی دبی کلامان موثر بود) در پیرونده و موارد آنها می مجاهدین اسیر حتی الامکان از تحویل آنها به رژیم سرسپرده شاه خودداری شود. ما در این زمینه کوشش وسیعی را آغاز کردیم و به پیشرفت های زیادی هم نائل شدیم، اما بیگانه‌ها متوجه شدند که رژیم‌ها با اطلاع یافتن از موضوع، قصد دارند هر چه سریعتر آنها را تحویل بگیرند. ما در خلال تماسهای دانشی و در عین حال مخفی ای که با زندان داشتیم، از برنامه استرداد مجاهدین در بند ایران و جزئیات آن مطلع شدیم و بطریق فرصت کوتاهی که در اختیار داشتیم (فقط ۲۰ ساعت)، موفق شدیم طرح ربودن هواپیمای دوموتوره ای را که قصد داشت مجاهدین اسیر را از دبی به بند عباس منتقل نماید بمورد اجرا گذاریم. باین ترتیب

آقای چمران سهمیه اش را می خواهد!

روجرها رتنبه ۷/۲۴/۳۰۰۰ حدود ۳۰۰ نفر از سازمان سفلی خدمت ۵۶ را بعنوان سهمیه ژاندارمری به اوزمن منتقل میکنند. همکاران ما در سازمان به باادکان، دکتر چمران به همراه یک روحانی سر میرسد و میگوید که "بسیار برای من و سهمیه من هستند (۱) برای تربیت کماندو". در این موقع استوار ژاندارمری که برای تحویل گرفتن آن سازمان به نخب سرکشته آمده بود، روی "سهمیه ژاندارمری" بودن سازمان نکیه میکنند و لای آفای حمران میگوید "من عضو سازمان دفاع هستم و هر چه من بگویم درست است" و بالاخره علمبرگ تمام خودسران، جناب چمران به "سهمیه" اس میرسد! سهمیه ای که برای کشتار ارسال میبوند!

ارزش جان انسان بیشتر است یا گاو شیرده؟!!

با نگاهی آبدان تنها دور روز در حفسه (بگننیه ها و چها رشنه ها) باز است و به هر شخص بیش از ۳ هزار تومان برده اند نمیکنند در این روزها تعداد زیادی از مردم جلوی بانکها صف میبندند. حقوقی کارگران بطور کامل پرداخت نمیشود و به آنها فقط ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان به عنوان مساعده میدهند. ضمناً کارگران سرکشته نفت و آبدان را به دیگر (از جمله تصفیه آب در سازمان) آبدان و "گمرک" حرمشهر (بزرگترین سرکار خواسده میشوند، یکی از کارکنان تصفیه آب دسری غارم میگوید که: "تعمیرات موقتی که شرکت تعطیل است چرا ما را به آن محل خطرناک میبرد؟" (توضیح اینکه این محل در کنار رنط العرب قرار دارد) جالب است که گاوهای شیرده شرکت نفت را از آن محل برده اند. گویا جان انسانها برایمان کمتر از گاوها ارزش دارد.

"به جبهه جنگ سائقین خامنه ای!!"

روزی سینه ۱۷ مهر ما خامنه ای که مرتباً از طریق رادیو تلویزیون، مردم را "بهدشت و نوشدن سرت نهادت" دعوت میکند، برای سرکشتن از اوزنیک هواپیماهای اختصاصی ۸ نفره را که مخصوص خاندان سلطنتی بود با تلخن احضا میکند. یک بزنک حاوی سردر فرودگاه از او میجو هدتا مریض مشرف به مرگی را با خود به تهران میبرد. خامنه ای ابتدا قبول میکند ولی پس از آنکه خلیان میگوید که هواپیما ظرفیت ۹ نفر را ندارد، خامنه ای میگوید، چون باید با سدا رانش را همراه خودش میبرد، نمیتواند مریض در حال مرگ را به تهران ببرد.

خبری از اهواز

۵۹/۷/۱۹ - طی حمله عراق به زیرتوان کارمندی ۲۵ نفر کشته شده و تعدادی خانه درهم

منتخبی از اخبار جنگ

کویت به مسود، با سدا ران خدا نقلاب در شرایطی که اهالی خانه ها هنوز سزاوار بودند، با حمله وحسان محدود و سرکشتن فعل جمدانها بدسسال اعلامه و کتا بهای. خدا نظانی! میگویند. در ناح مردم که غلب اینکار ران را میبیرسدند میگویند که میخواهم ببینیم که اگر کسی از آنها کمونسیت سودا میبیرد و روشن نگذاریم.

خوش رقصی رو بزنو نیستها و نؤد هنی رژیم به آنها!

مدتی است که صرا د "ملی و خدا میربا لست" بودن رژیم جمهوری اسلامی، از جانب روبریزو- نیستهای "توده ای" و "فدائیان اکثریت" شنیده میشود و تا کون با تمام قدرت به نظهر رژیم برداخته اند از جمله در جنگ با عادلانه اخیر، روبریزو نیستها (خائنین سطفه کارگر) شعمار دفاع از رژیم جمهوری اسلامی را داده و با این بست خود را موظف میداند که در جنگ شرکت کنند. حریکهای "اکثریت" در هفته های اخیر مدهای از ابراد خود را برای جنگ به قهرتیزین میفرستند اما تاسی بوحیگی کامل ارتش و با سدا ران مواجه میشوند. نیروهای رژیم به تنها هیچکوسه همانک و همگاری با آنها نمیکند، بلکه از دادن امکانات و آذوقه سیزکوتا می میکنند و نیروهای اکثریت با این وضعیت که تنها موجب هرز رفتن نیرویشان میگشت، عقب نشینی می کنند. در صحن حدود یکماه پیش از این ۲۵ نفر از افراد حزب بوده "آما دگی خود را برای جنگ بسا حکومت بعث عراق اعلام میکنند و میخواهند که در اختیار سپاه و ارتش قرار بگیرد سپاه ایسن ۲۵ نفر را و طلب را در عملیات آمادگی میورد نخبکاران قرار میدهد و پس از پایان عملیات آمادگی ارتش در صحن آنها خودداری میکنند.

شرکت حزب ارتجاعی "دهران" در جنگ

طبق اطلاعات رسیده، حزب ارتجاعی "رنجمان" عده ای را بوسیله اسلحه و مهمات، رژیم جمهوری اسلامی، تجهیز کرده و به جبهه جنگ فرستاده است این حزب در اصفهان بین بازاریها، نفوسود زیادی دارد. عده ای از بازاریها، این شهر عضو بودند و این حزب به جهانی "وارتجاعی" هستند. آری، این فقط "سه جهانی" ها و سایر روبریزو نیستها (این خائنین به طبقه کارگر) هستند که با بسیاری رژیمهای ارتجاعی چون جمهوری اسلامی، دل بسوزانند چرا که حیا تشنان در کروجود چنین رژیمهایی است. این تشنان از صرا به دفاع میکنند و سرمایه داران از این تشنان!

رژیم جمهوری اسلامی دوباره کودتا چیان را با کار میگرد

رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت طبقاتی سربرندگان و کودتا چیان را به فعلی لیت فسرا میخواند، و از آنها برای سرکوب زحمتکشان عراق و خلیق گردا استفاده میکند. رژیم به تا زگی ارتشیا نی را که اخراج و با زندانی بودن و با در کودتای شنگین اخیر شرکت داشتند دوباره کار گرفته است. افراد زیر همایشی هستند که بقول رژیم جمهوری اسلامی بر علیه "مستضعفین" میخواهند کودتا کنند عجب! وحده است حالاً دیگر کودتای وحسد اسلامی نیستند؟! این افراد عبارتند از:
۱- سروان خلیان آست (این شخص کسی است که پس از قیام توسط پرسنل انقلابی ارتش تصفیه شد و ملی مجدد در حمله وحشیا نه رژیم به کودستان به کار گرفته شد، این فرد جز "کسانی است که در رابطه با کودتا چیان دستگیر شده بود) ۲- سروان خلیان مهدی با ۳- سروان خلیان با مسوری ۴- سپهبد میخو بیقرین - سرهنگ کیمیا گر ۵- سرگرد سیدگلی ۶- سرگرد خلیلی ۸- سرگرد مکفی ۹ - بقیه در صفحه ۱۹



**بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ
غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!**

بقیه از صفحه ۱ اطلاعیه . . .

همزمان با پیشرفت مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان و توجه بیشتر به مروحدت جنبش کمونیستی، وحدت با رفقای انقلابیون آزادی طبقه کارگر، وحدت این رفقا و ما با سدومایع دیگری مواجه گشت. این مانع عبارت بود از یک گرایش "گروه گرا با نه" در رفقای انقلابیون که برخی اختلاف نظرات و ابهامات پیرامون مواضع ما و خودشان را مطلق کرده و وحدت دو گروه را موكول به حل این ابهامات و اختلاف نظرات مینمود. علیرغم توضیحات ما در آن زمان، متاسفانه این گرایش عمل نموده و وحدت دو شکل را برای چندین ماه به عقب انداخت. در همان زمان برای ما روشن بود که این گرایش، موجب اتخرده کاری هر چه بیشتر گروه (و طبقاً ما را) فراهم میورد. و همینطور هم شد و گروه برای مدتی حرکت خرد - کارانه و استقلال گرایانه خود را ادامه داد.

همزمان با برگزاری کنگره دوم ما زمان، ارتباط رفقای انقلابیون و ما دوباره فتنال گشت. کنگره رفقای انقلابیون در اوخر کنگره دوم ما زمان برقرار شد. بر حسب توافق طرفین رفقای سازمان در یک جلسه کنگره رفقای انقلابیون شرکت جست و آخرین مواضع و نقطه - نظرات جدید سازمان را در اختیار کنگره رفقا

قرار دادند. این مواضع منطبق با مواضع رفقای انقلابیون بود. کنگره گروه با توجه به شناخت قبلی از سازمان، مطالعه برخی متون تصویری کنگره و آخرین مواضعی که سازمان اتخاذ کرده بود، وحدت فوری با سازمان را در دستور کار گروه قرار داد و وحدت دو گروه بعد از چند هفته بر خورد فعال عملی شد.

وحدت با رفقای "انقلابیون آزادی طبقه کارگر" از فراز و نشیبهای فراوانی گذشت و تجربیات و درس آموزیهای فراوانی برای دو طرف در برداشت. طی این پیرویه ما دیدگاههای وحدت خود را تعمیق بخشیدیم. و به درک عینی تری از ضرورت و اهمیت وحدت جنبش کمونیستی نا ثل آمدیم و رفقا نیز با درنگاریشات اکونومیستی و گروه گرایانه که کم بزگروه، در مجموع مبارزه ایدئولوژیک درون گروهی خویش را تعمیق بخشیدند. این وحدت که حاصل پیرویه مبارزه ایدئولوژیک عمیقی ما بین ما و رفقای انقلابیون میباشد، قدمی است هر چند کوچک در جهت تدارک ایجا د حزب کمونیست ایران که در عین حال تجربه آموزنده ای برای جنبش کمونیستی ایران نیز بشمار میآید.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

کمونیستها را کاهش میدهد پراکندگی صفوف آنها است.

این پراکندگی اگر چه در پیرویه مبارزه در جهت ایجا د حزب طبقه و پالایش جنبش از انحرافات غیر پرولتری به وحدت کامل تبدیل خواهد شد، لیکن مبارزه در جهت وحدت هر چه بیشتر صفوف کمونیستها وظیفه همه نیروهای کمونیست است. درک ضرورت فشرده تر کردن صفوف خویش در جهت با سخگوشی لازم به ضروریات مبارزه طبقه ای و تحقق آرمانهای پرولتاریا، درک ضرورت وحدت تشکیلاتی نیروهای که از نظراً اصول برنامهای (معیارهای وحدت) وحدت نظر دارند، گروه ما را طای بر خوردی انتقادیه به گذشته، به سمت وحدت سوق داد و بر اساس وحدت ایدئولوژیک - سیاسی روی میانی اساسی و مشی و برنامسه کمونیستی گروه ما و سازمان پیکار وحدت تشکیلاتی خویش را تحقق بخشیدند.

مرور مختصری بر گذشته گروه

پیرویه شکل گیری محفل، به سالهای ۵۴-۵۲ بر میگردد. این دوران مقارن بود با حاکمیت کامل مشی چریکی. بدنبال غلبه رویزیونیسم بر احزاب کمونیست جهان، مشی آوانتوریستی چریکی در برخی کشورها سر بلند میکند و بخشی از جنبشهای نوپای کمونیستی را به انحراف میکشاند. در ایران نیز مشی چریکی به مثابه واکنشی در مقابل رفرمیسم، انقلابیون جوان را به مدت ۸ سال دچار انحراف میسازد. در مقابل نقش فاشه این جریان، جریانات محدود دیگری شکل میگیرند که اگر چه به نفع جنبه آوانتوریستی مشی چریکی می پردازند، اما به سبب جوانی و ضعف جنبش دچار انحرافات دیگری میگردند. برخی به سراغ الگوسازی از انقلاب چین در می غلطند، برخی به التقاطی از مشی چریکی و مشی سیاسی - توده ای دست میزنند و برخی دیگر به دنیا لهروی از اقشار عقب مانده طبقه کارگری می پردازند.

وجه مشترک تمامی این جریانات سطح نازل دانش سیاسی و عقب ماندگی مفرط ایدئولوژیک - سیاسی آنان بوده است.

محفل اولیه ما که در ارتباط با برخی جریانات فوق بوده است، زمانی آغاز به شکل گرفتن میکند که مشی چریکی به بن بست درونی خویش دچار گشته و نا توانی خویش را در نفوذ بین طبقه و اقشار زحمتکش جامعه به معرض نمایش گذا رده بود.

بدین ترتیب محفل - با طرد اشکال مبارزه چریکی - به سوی کارآگاهران در میمان زحمتکشان سنگین میبکند، لیکن درک بسیار محدود از رکیسم و وظایف کمونیستی، تنها در شکل با مشی چریکی مرز بندی می نماید و نه در

جامعه بیا نگر شده انقلاب و نا توانی پاسداران نظم کهن است.

رونده اعتلا یا بنده جنبش انقلابی از یک طرف و فعالیت اپوزیسیونهای ارتجاعی و رویزیونیستیهای خائن از طرف دیگر چنان شرایط پیچیده ای را بوجود آورده است که سنگین ترین وظایف و با سخگوشی را از جنبش کمونیستی ایران میطلبد.

اما جنبش کمونیستی ایران که هنوز از نظر پیوند با طبقه در سطح سازمانی است، دچار رشتنت ایدئولوژیک - سیاسی و پراکندگی تشکیلاتی است. جنبش جوان کمونیستی ما در شرایطی بسوی ایجا د حزب خویش گام بر میدارد که نهضت - های کارگری جهان اسیر رویزیونیسم - این دشمن مکار پرولتاریا است - غلبه رویزیونیسم (در اشکال گوناگون خود) طبیعتاً انعکاس خود را بر جنبش کمونیستی ایران میگذارد و آنرا موردتهاجم ایدئولوژیک قرار میدهد و گرا یشات تسلیم طلبانه و متزلزلی را که در پیوش مارکسیسم فرورفته اند تقویت می نماید. زمین روشن فکری جنبش کمونیستی نیز آنرا در مقابل این تهاجمات ایدئولوژیک آسیب پذیر می نماید.

اما علیرغم تمامی این ضعفها و تنها جمات شرایط عینی رتدا انقلاب و جنبشهای توده ای چشم انداز با شکوه و درخشانی را نوید میدهد آنچه در چنین شرایطی توان و پتانسیل بالقوه

جنبش کمونیستی در دوران حساسی بسر میبرد. هم اکنون حدود ۲ سال از سرکونی رژیم سرسپرده ناهمی گذرد. مبارزه عظیم و حماسه آفرین توده های زحمتکش ما سبب فقدان ستاد رهبری طبقه کارگرنشوانست، به پیروزی منجر گردد. بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه سنتی توانستند به نگاه توهمن توده ها بر قدرت تکیه زنند، اما تناقضات ذاتی سرمایه داری وابسته ایران چنان بحران عمیقی را بوجود آورده است که تحقق خواسته های زحمتکشان جز با رفع این بحران یعنی جز با توده سازی وابسته امکان پذیر نیست. تداوم جنبشهای اعتراضی و مبارزاتی توده ها پس از قیام بیا نگر تعمیق مبارزه طبقه ای و سایر اعتلا یا بنده تحسولات جامعه است. رژیم جمهوری اسلامی روز به روز ماهیت سرکوبگرانه و ارتجاعی خویش را آشکار میسازد و مبارزه کارگران و دهقانان و دیگر توده های عظیم خلق گسترش بیشتری مییابد. پرولتاریا ایران به رغم عدم تمرکز و ضعف آگاهی خویش به علت آنکه در مرکز بحران قرار گرفته و یک تجربه عظیم را پشت سر نهاده است از چنان پتانسیل بالقوه ای برخوردار است که در مقایسه با گذشته خویش تاکنون بی نظیر است. دهقانان و دیگر زحمتکشان جامعه نیز روز به روز به صحنه مبارزه سیاسی میبگذارند. هر دم اقشار ریشختری از توده ها از توهن بیرون می آیند و متلاطم سیاسی

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

کلیت دیدگاههای آن اصول نظری محفل بر-
اساسی مشاهده عدم کارایی و نفوذ منی حرکتی در
بسی زحمتکشان از یکطرف و با تصمیم محفل
روستفکری از طرف دیگر شکل میگیرد و از آنجا که
فاندورکی مارکسستی بوده منی هر روستفکر
و با ما اهمیت عنصر آگاهی یعنی دانش م، ل برسد.
محفل ما شدت کار ریدی را معیار را سلابی
بودن میدانست و ما از آنجا که با فاسد نسلم -
طلبنا و غیر پرولتری را در پیرو سکا ریدی می -
دید، از اینرو محفل کار در سن کارگران ساختمانی
و کارگران معادن را در دستور کار قرار داد .
آرما نخواهی فوی و کیه عسقی طبقا نی
محفل که ریشه در منشا طلقانی رفقای محفل
داشت ، تلاش خستگی ناپذیری را در جهت پیوند
با کارگران ساختمانی با عت میگردد . اما به
رغم نمانی این کوششها ، فقدان زمین عینی در
این بخش از کارگران ، کار را مگر با شکست می -
کشاند . محفل به نسب سفی ایدئولوژی و عنصر
آگاهی بجای برخورد با ستها و بینش های
خوش ، عدم موفقیت را در ضعف های خصلتی عناصر
خود می جوید . و مبارزه با این معضله را شرط
موفقیت تلقی میکند . چنین برو سدهای دگما تسم
قوی را در محفل سو خود آورده و خصلت گرا ئی را
در محفل رسد میدهد . محفل ما تا سالهای ۵۷-۵۶
به تلاشهای بی ثمر خویش ادامه داد . در این زمان
جنبش توفنده و انقلابی سوده های خلق ، ذهنیات
نیرو های سیاسی را در هم میریزد و محدود شده تنگ
مخاف را در منوردد . محفل ما که حد از جویا سی
جاصه در میان عقب مانده ترین بخشهای کارگری
کوشش سپه سوده مسعود ، ت با و رانه تنها به نظاره
جنبش می پردا زد و با قیام پر شو حلق نا گهان
بخود می آید . آرمانهای دگم شده محفل در مقابل
واقعیت مادی که مهربا بل بردیدگاه هایش
و ارمیا وردا ابتدا دست به مقا ومت میزند و حتی
نفی دیدگاههای کیه زا رویونیستی تلقی
میکند . اما در برخورد فعال واقعیت را میپذیرد
در این زمان محفل اگر چه به نفی مشی گذشته
خویش دست میزند ، اما این نفی تمام می عرصه
را در بر نمیگیرد و تنها بجای کار در بین کارگران
ساختمانی ، فعالیت در بین پرولتاریا صنعتی
در دستور کار قرار میگیرد . عقب ماندگی فکری -
تئوریک محفل کا ملا شناخته نمیگردد . مشی
شبه نارودنیکی به درکی محدود و ا کونومیستی
از وظایف تبدیل میگردد . در این زمان محفل
با چند تن از روشنفکرانی که از خارج کشور با -
گشته بودند آشنا میگردد . این رفقا تحت تاثیر
آرمانخواهی و خصلت های مبارزاتی محفل ، بدان
می پیوندند .
این هنگام متقارن بود با روحیه وحدت -
طلبانه در سطح جنبش و تشکیل کنفرانس وحدت -
محفل نیز در صدد ارتباط با برخی نیروها بر می -
آید که تنها برخورد با رفقای پیکار ادامه مییابد .
در این زمان ترکیب جدید محفل مست
کوتاهی را صرف آموزش اعضا خود میکند ، لیکن

به سرعت وارد عرصه فعالیت می شود ، مست تر سن
رفقای محفل وارد کارها و راجات مگردند و در کنار
آن آموزش ابتدائی و برو سه ر حوره سکا ر را
بسی میبرد . رفقای محفل به سبب پنا نسبل
فوی مبارزاتی و خصلت های سوده ای و کسه عمیق
طلقانی و همچنین روحیه آرمانخواهانند در
فعالیت عملی خود به سرعت به موفقیت دست
میسازند ، ولی محفل که همچنان اسر حصلت -
گرا ئی ها بود به سبب درک محدود خویش از
مارکسیسم و وظایف جنبش نتوانست جایگاه خویش
را در جنبش ستنا سد و وظیفه سرم خویش که بیابست
حرکت در جهت وحدت مسود ، درک نماید .
برو سه خود بخودی سر خورد با رفقای پیکار
بر سر اختلافات حزبی سن از چند سن ما ه دچار
سن ست میگردد . علت اصلی این امر جنبش بود
که اولاً برای محفل مسئله وحدت عمئی نشسته
بود و بخاطر محدودیت دید خود از اسما دوظایف
جنبش کمونیستی ، درکی مطلق کار با نه از وحدت
داشت . بقایای بینش خصلت گرا با نه گذشته
سبب میگشت که بروی خصلتها و خصویات افراد
نا گذر زده . موفقیت های عملی محفل و مقایسه
خود با دیگران در همان حیطه باعث گردیده بود
که به خود توانائی خویش برسند ، دهد و در کسبی
خود بینا نه یابد . این دوا مر یعنی خصلت گرا ئی
و محدود نگری برخورد با زبالا و غیر وحدت طلبانه
را سبب میگشت . ریشه اصلی تمام این درکهای
انحرافی در تحلیل نمانی از آنجا نمانی میگشت
که محفل ما دید محدودی از اسما د جنبش و درک
نا زلی از وظایف گسترده جنبش کمونیستی داشت
جنبش کمونیستی را در همان محدوده فعالیت
خویش می نگریست . و موفقیت های محدود خود را
به تمام عرصه ها تعمیم میداد .
از طرف دیگر با دید ضعفی رفقای پیکار
نیز آرا ره کرد . این رفقا فاقد تجربه لازم در
برخورد با محافل بودند و بطور خود بخودی در
مذاکرات شرکت می جستند ، برخورد فرما لیستی
رفقا در این برو سه اسما سا از عدم توجه و کم به اسما
دا دشنا به وحدت و کار متمرکز و سنجیده روی آن
نمانی میگشت .
در این مدت محفل سریعاً گسترش یافته و از
نظر کمی رشد میکند . رفقای محفل به سبب
قابلیت ها و خصلت های توده ای خویش نقش فعالی
در رهبری حرکت های اعتراضی کارگران ایفا
می نمایند . شرکت در رهبری اعتصابات چند
کا رخا نه ، رهبری جنبش بیگاری و همچنین جنبش
دهقان (بطور محدود) از دستاوردهای این دوره
میباشد . گستردگی محفل ، ضروریات سازماندهی
نوبنی را میطلبید که در سطح سازماندهی گروهی
شکل میگیرد . در این زمان شکل ، بفرکا سلام
هویت میا فتد . به این ترتیب ، گروهی آنکه
در برو سه گذشته خویش جمع بندی همه جا نه نماید
بدون آنکه با تحلیل از اوضاع جنبش وظیفه
میرم خویش را مشخص نماید و بدون آنکه چشم انداز
وحدت را دقیق کند ، اعلام هویت میکند ، انگیزه
این امر محدودیت کارائی و تاثیر گذاری فعالیت

رفقا بود ، چرا که رفقای گروه علیرغم تلاش خستگی
- ساذر شان از پشتوا به تبلیغات سیاسی
محروم بودند . این امر اگر چه واقعیتی را در بر
داشت اما نمی توانست برای ادامه حرکت مستقل
از دیگر نیروها کافی باشد ، مگر اینکه مرز بندی -
های اساسی وجود میدادست .
در ادامه خود ، گروه برو سه مذاکرات با پیکار
را معلق نمود با دیدگاه های خویش را تدقیق
نماید . جنبش امری طبیعتاً از درک درستی نمانی
سعیست . چرا که قطع یک برو سه تنها در صورت مرز -
بندی های اساسی میتواند انجام پذیرد و موقوف
کردن وحدت به یک برو سه اسما سجام درونی ، در واقع
بیجا سگر عدم حقا نیت ایدئولوژیک - سیاسی
حرکت مستقل بود . البته در این زمان گروه با
درکهای راستروانه سازمان پیکار در مورد
بورژوازی و خرده بورژوازی مرفهستی اختلاف
داشت . اما نکته مهم در اینجا ست که گروه بدون
مشخص کردن جایگاه اختلافات و تنا شیر آن در
وحدت ، برو سه وحدت را متوقف گردانید . فاسل
ذکرا ست که در این ایام رفقای پیکار بر خوردی
فعال تر و اولیتر با مساله وحدت مینمایند . لیکن
با فشاری غیر اصولی ما در به سوی انداختن
برو سه وحدت مانع برخورد فعال در این زمینه
گشت هر چند عدم پیگیری بعدی رفقای پیکار در
به تعویق افتادن برو سه نیز موثر بوده است .
از طرف دیگر آنچه بر حرکت معتدل
توانست تاثیر بگذارد ، تحول درونی رفقای
رزمندگان بود . رزمندگان که از درگیری های
درونی خویش سر بیرون آورده بود ، حرکت فعالی
را در جهت مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش
ظورت داد . مدتی گروه بر اساس ادیکا لیسم
خود تحت تاثیر حرکت رزمندگان قرار گرفت و
بخصوص از انحرافی قطبهای ایدئولوژیک -
تشکیلاتی تا شیر منفی بر حرکت گروه بجای گذاشت
مدتی را که گروه برای تدقیق مواضع خویش
در نظر گرفته بود ، بدون یک برخورد فعال و در
برو سه حرکات خود بخودی و عملگرا ئی سپری
گشت ، اگر چه در همین دوران گروه جدا قل توانست
با ترا کتلافی تشکیلات گذاروت سکتاریستی
قطبهای ایدئولوژیک - تشکیلاتی به مرز بندی
برسد و با درکهای راست در پوشش جب مرز بندی
کند . بخصوص گروه در ارزیابی خود بدین نتیجه
رسید که موضع رزمندگان بر روی سوسال امر -
یا لیسم اشا عده هنده تزلزلات رویونیستی
بوده و جنبش کمونیستی را در مقابل آنها جم
ایدئولوژیک رویونیسم آسیب پذیر مینماید .
عدم تحرک گروه در عرصه تئوریک باعث میشد
که به جمع بندی تجربیات مبارزاتی - کارگری
خویش کم بها ، دهد و در مبارزه ایدئولوژیک بسر
علیه انحرافات غیر فعال بماند .
در تمام این مدت ضرورت وحدت در گروه
احساس میگردد اما بدان برخورد فعالی نمیشد
گروه در ادامه حرکت خود با زهم به گسترش حیطه های
فعالیت خود دست زد . بی آنکه رابطه تحکیم و
بقیه در صفحه ۷

ملاحظات کوتاه

شیخ کمونیسیم

دوشنبه شب گذشته، باز تلویزیون "ناپرهی" کرد و فیلمی دیدنی از مبارزات مردم فریقای جنوبی علیه امپریالیستها و نژادپرستان را به نمایش گذاشت. این فیلم هر چند جواب محدودی از مبارزات حماسه ساز مردم ما تا نه خلقهای تحت ستم آفریقا را طی قرن بیستم نشان میدهد، ولی یک نکته بسیار زود را نشان می‌دهد: وحشت امپریالیستها، نژادپرستان و عمال دست‌ساز آنها از کمونیسیم، ما را کمینشیانگسازر سوسیالیسم علمی در بیش از صد سال پیش برسان می‌ماند. بیست و نوبت:

"سچی در اروپا (و اروپا بدبوگوشیم در سراسر جهان) در گذشت و گذار است، شیخ کمونیسیم، همه سروهای اروپای کهن برای تعقیب مقدس این شیخ متحده شده‌اند: پاپ و تزار، مترنخ و گیزو، رادیکالهای فرانسه و پلیس آلمان. کجاست آن حزب اوبوزیونی که مخالفینش که بر مستند قدرت نشسته‌اند نام کمونیستی روی آن نگذارند؟... " از این امر دو نتیجه حاصل میشود: همه قدرتهای اروپا اکنون دیگر کمونیسیم را بیستایست در قدرتی تلقی میکنند، حال تما ما وقت آن در رسیده است که کمونیستها نظرات و مقاصد و تما بیلات خوب را در برابر همه جهان نیسان آنگارایان در رند و در مقابل افسانه شیخ کمونیسیم، ما بیست خود حزب را قرار دهند. " سرما بیداران و دشمنان طبقه کارگر در هر لباس و چهره‌ای که بیاشند، وحشت از آن "شیخ خواب راحت را از چشمانشان میگیرد، بی جهت نیست که رژیم جمهوری اسلامی اینقدر از کمونیسیم میترسد، حتی مجاهدین خلق را هم در رابطه با نزدیکی به کمونیستها اینقدر مورد حمله قرار میدهند و آنها را تحت فشار میگذارد که اول رابطه - تا آن را با کمونیسیم مشخص کنید و کمونیستها را "نخن" بیدار کنید تا جواب سلامتان را بدهیم! اما امروز کمونیسیم دیگر شیخ نیست، واقعیت است و سراسر جهان سرما بیداری را خواهد گرفت.

با وعده بهشت، جهنم برپا می‌کنند

نیروهای ضد انقلابی حاکم بر دو کشور ایران و عراق جهنمی برافروخته اند که هرگز از آن زحمتکشان و سرمایه‌های ملی هر دو کشور است. گروه گروه از توده‌های ستمدیده و زحمتکش ما به این جهنم سوزان و ویران کننده گسیل میشوند و به آنها گفته میشود که به بهشت میروید، وقتی ما جمع ما را می‌بینی که از طریق گسترده‌ترین

چرا همه فرماندهان ارتش "حر" اند؟!

فهمید! وقتی سرهنگ توکلی اولین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی شد و کمونیستها و نیروهای انقلابی، سابقه همکاری او با ساواک و غیره را افشا کردند، بازرگان و آیت‌الله خمینی و دیگر قدرتمندان رژیم جمهوری اسلامی گفتند که او "حر" است و شما کمونیستها "فدا انقلاب" ! وقتی پتداین جناب بر روی آب افتاد و شمسار قره‌نی عامل معروف امپریالیسم امریکایی حساب او را گرفت، با زدن مقابل افشاکری انقلابیون گفتند او نیز "حر" است! وقتی شمسار فریبند بجای او آمد با زور جواب ما که او اسکنی اوسه امپریالیسم امریکایی و کتا با او در متحدان نظام شاهنشاهی و سوییژه‌ها تا نه محمد رضا را افشا کردیم (پیکار ۶، مورخه ۱۴ خرداد ۵۸) گفتند این یکی نیز "حر" است و شما "فدا انقلاب" ها این را نمی‌کردند؟!

... های عربی و صهیونیستی (در فلسطین) بود که هر چه در خارج افتخاری بیارند و بساورد لکن در داخل دستاویزی ندی برای اعلام حالت فوق العاده و برقراری حکومت نظامی و قلع و قمع مخالفان، "دُرْخا ورمیا نه‌حه گذشت (صفحه ۴۳۱).

استفاده از فرصت خارجی برای سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیستی داخلی در ایران نیز بارها عملی شده است. مثلا بعنوان "مبارزه با آمریکا" و "حمایت از فلسطین و روز قدس" به کردستان لشکرکشی میکنند، بعنوان "مقاومه با تحا و عراق" به خلق کرده‌ها حمله می‌نمایند، به عنوان جنگ با عراق، سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی داخلی و باج و خوفقان بلیسی را در دستور میگذارد. تا دل آسوده نظام سرما بیداری و استهرا با زسازی نموده طبقه کارگر و روستاگر زحمتکشان را سرکوب سازند. در عراق، رژیم سوری سعید از فرصتی که آشکاره کردیم استفاده دیگری نیز کرد و آن است که افسران شوروی مترقی نظیر عماد لکریم قاسم را بعنوان گوشت دم‌توب به فلسطین فرستاد تا از "شر" آنها راحت شود. (۲) - رجوع شود به کتاب "جنبش ناسیونالیستهای عرب" از شریفات جنبه خلق برای آزادی فلسطین.

دستگیر شده اند و نتوانند عراق را بمباران کنند. سنی صدرا زدا دستان کل انقلاب میخواستند که تعدادی از خلبانان کودتای را آزاد کنند. دادستان از این کار را منناعت کرده، سنی صدر پیش ما میروند و مسئله را با او در میان میگذارد. امام طی نامه‌ای از دادستان میخواستند که آنها را آزاد کنند، سنی صدر به زندان رفته با خلبانان در مورد آزادیشان و شرکت در جنگ صحبت میکنند و سپس آنها را آزاد میکنند!

واقعاً چرا رژیم جمهوری اسلامی افسران سلطنت طلب را به خدمت میگیرد؟ زیرا همه بخشهای مدافع انقلاب دارای منافع مشترکی در برابر توده‌ها و انقلاب میباشند.

وقتی سرهنگ توکلی اولین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی شد و کمونیستها و نیروهای انقلابی، سابقه همکاری او با ساواک و غیره را افشا کردند، بازرگان و آیت‌الله خمینی و دیگر قدرتمندان رژیم جمهوری اسلامی گفتند که او "حر" است و شما کمونیستها "فدا انقلاب" ! وقتی پتداین جناب بر روی آب افتاد و شمسار قره‌نی عامل معروف امپریالیسم امریکایی حساب او را گرفت، با زدن مقابل افشاکری انقلابیون گفتند او نیز "حر" است! وقتی شمسار فریبند بجای او آمد با زور جواب ما که او اسکنی اوسه امپریالیسم امریکایی و کتا با او در متحدان نظام شاهنشاهی و سوییژه‌ها تا نه محمد رضا را افشا کردیم (پیکار ۶، مورخه ۱۴ خرداد ۵۸) گفتند این یکی نیز "حر" است و شما "فدا انقلاب" ها این را نمی‌کردند؟!

نگاهی به...

بقیه از صفحه ۱۱ نگاه می‌کنند... (۲) - در دوران جمهوری اسلامی مدسه است (و این طبیعی است) که نمایان تاریخ را از سنگ فعالیت روحانیون بسنند. بارها شنیده‌ام که از نقش رهبری روحانیون سعه عراق در انقلاب ۱۹۴۸ و ۱۹۲۵ سخن میگویند. ما در جای دیگر نماند بتفصیل بتوانیم سخن بگوئیم ولی گفتنی است که توهمات توده‌ها در عراق (همانند ایران) که روحانیون را برای سواری بر موج قسامهای توده‌ای از خانه‌ها و حجره‌ها بیرون می‌آورد، جزیه سازش با ارتجاع نشان داده است. مثلا در روز پس از استعفای صالح حسر، بقول تاریخ نگار: "تشکیل کابینه به سید محمد صدر (از خانواده آیت‌الله صدر) یکی از ناسیونالیستهای شیعه و گذار شد، خرچه نخستین جلسه هیات دولت، الفوگاک مل و نهائی بیان پورتسموت را اعلام کرد ولی بحران و آشوب سراسری چندان آرامی که ما به دلگرمی زمانداران عراق با شد پیدا نکرد. در تاریخ ۱۵ مارس بیمانی همانند پورتسموت میان اردن و انگلیس بسته شد و ما به دیگری برای برافروخته تر شدن آتش خشم سراسری بود. در این هنگام تنها روزگانه صدی که برای حکومت عراقی بیدار می‌گردد ما در ۱۹۴۸ رتشی

بقیه از صفحه ۱۷ منتخبی...

سر تیب صیاحت. خوب است بگوئیم سرگرد بیدگلکی چه کسی است تا بیشتر او را بشناسیم: سرگرد بیدگلکی کسی است که او بیسی جلد را با هوا پیمای اف - ۵ از ایران فراری داد و به اسرائیل رسانید.

آزادی خلبانان کودتای یکی دیگر از خیرات جنگ

در هنگام حمله همه‌جانبه هواپیماهای عراق به ایران، سنی صدر به نیروی هوایی رفته است تا نیروها را ارزیابی کند در آنجا به او گفته میشود که تنها خلبانها که در رابطه با کودتای

ملاحظات کوتاه

وسائل تسلیفاتی آنجان تهنیه کننده، توده های تومزده را به بیاهنه شها دت به کام مرگ میفرستد، وقتی هاشمی رفتجانی را میبشنوی که مردم را به ابدا بکنه در آینه به زیارت کربلا خواهنده رفت تشویق به تحمل مما ثب طاق فرسا و مرگ و با مطلاع شها دت مسکند و به سلخ میفرستد و... حاره ای ندا در جآ نکه از اینهمه سو استفاده که از حسابات ما دقا نه و انقلابی توده ها علیه منافع واقعی شان انجام میشو اد احسان نفرت کنی و با توده های زحمتکش و کارگر و آرمائیه ای انقلابی آنان پیمان ببندی که دشمنان آنانرا در هر لباس و چهره ای که با شندا قشاکنی و در مسازنه قاطعا نه ما آنها لحظه ای تردید روانداری

صفحه کشف خانه های تیمی!

صفحه مروشیا "از برکت انقلاب اسلامی" تعطیل شدا ما یک صفحه را که پرویز بنا بیتی خاشن بدان بسبا ر علاقمند بود هنوز طرفداران زیاد دی دارد. با دتان هست هرا ز چند وقت "مقام منیتی" مسا مدیست تلویزیون و از کشف خانه های تیمی و "ورا بطنه مشروع" و متلاشی شدن یک گروه کمونیستی و تروریستی "حرف میزد و عکس و تصویلات تکراری را در روزنامه ها میا ورده. آن "صفحه" آنقدر تکرا ر شده بود که دیگر چندش آور بود. بالا هم در روزنامه ها هر چند روز همان صفحه را با مارک جمهوری اسلامی پیش چشمان میگذارند که:

یک خانه تیمی کشف شده است و در آن مثل فوطی عطاری همه چیز را یافته اند از علامیه های فدائیان و مجاهدین بگیرتا تشریفات کمونیستی پیکار و کومله و دمکرات و عکسهای شاه و فرج (ردالت را ببینید!) و بالاخره دختر و پسر در آنجا بوده اند و قرص ضد بستنی و...! همین و "صفحه" تما میشود.

و تو تعجب میکنی که چرا از این درو پنهانی گولزی بیشتر نیافته اند؟ میگویند یکی کسه حرف حساب میزد چند کلمه گفت و ساکت شد و دومی که دورغ میگفت پس از مدتی وراجی خسته شد و ایستا دوظرفی به ادب گفت اولی که حرف حساب داشت حق داشت ساکت شود اما تو چرا ساکت شدی؟! آقا یان! اگر تا بیتی از این دروغها طرفی بست شما هم می بندید!



ایران و عراق توسط عراقی تعطیل سدا د کرده - اندولی شوشه اندکه حکما نی در ایجاد و اداره این راديوهای مجنی نفسی اساسی و معسال دانسد. آنا آنها جز رفاه یا سودند؟

اس را هم بکنه اندکه ما نسکه رفاه یا نا در زندان سعاد سکجه مسدند (رجوع سو دیسه مما حه با رفی حسن روحانی) زما نسکه رفاه یا نه فعلی ابلاغی و محفی خود در زیر سوسن - های مختلف منحلده در سوسن فدائی فلسطینی در عراق هم علیه رژیمها و علیه همین رژیم عسی عراقی معول سو دسما حه منکرده؟ مسازنه انقلابی علیه امیرالاسم و ارتجاع در ایران و در دیگر کشورهای منطقه برای ما امر مسازنه است، ما نه ما لیا ن دارد.

در آخر مسازنه کدائی اطلاعات، با ارائه درک تحریک شده ای از "حک داخلی" ما حمله کرده و آرا "دم جروین" تا میده است. هما نظور که ما با رها بوضوح داده ایم، منظور ما از حک داخلی نه آن نظور که شما میخواهید سکو شید، بمعنی برادر - کسی بلکه دسقا بمعنی حک عادلانه ز حاکمان و ستمدگان یک کشور علیه شما به داران و نیرو - های ضد انقلاب خودی است. حک در چین، روسیه، سگاراکوئو... حک داخلی است. ما سا رحتک داخلی را بعنوان یک سا را سترائوسک در شرا بیتی که موقعبست که انقلابی فراهم شد، به امروز، مطرح میکنیم. آنچه منظور ما است ندادک برای چنان جنگی است و از طرح این شعار، بسپه سها با بیتی ندا ریم، بلکه آرا و طبقه انقلابی خوس میدانیم، شعار "سرفرا را دجه - سوری دمکراسک خلق" که ریس از فیا موبعد از آن مطرح کرده ایم جز بمعنی مسازنه انقلابی زحمت - گمان برهبری طبقه کارگر در راه ایجاد آن جمهوری نیست.

روند مسازنه طبقاتی که مسلما به پیروزی طبقه کارگر خواهد انجامید، مدتها ن خواهدا دکه "آزربیکا بی" چه کسی هستند! ما با زهم تکرا ر میکنیم که مسازنه امیرالاسم از مسازنه با ارتجاع داخلی جدا نیست!



بعده از صفحه ۱۰ پاسخ...

از طرفی ما می زنیم اختلافات مبرون وسطائی مدهی و امروختی جنگیای فلسطینی، بلکه از طرفی حمایت از مسازنه از کارگران و زحمتکسان عراقی و مسازندگان سیاسی آنهاست.

شما و هیجا نه نوشته اند که ما بکطرف حک را یعنی ایران را محکوم شمرده ایم (۱) در مورسکه موع انقلابی ما علیه رژیم عسی و ضد خلقی عراقی به از امروز بلکه از سال ۵۴ و ۵۵ در سطح منطقه خاور میانه یعنی سده است، ما تنها نیروی سیاسی ایرانی سو دیم که در باره اختلافات ایران و عراقی و محکوم کردن رژیمهای شاه و صدام حسین نه تنها به زبان فارسی بلکه به عربی نیز کتاب منتشر کردیم. کاری که بسیاری از سرووهای مبارز منطقه عربی جرائن را نداستند با سرکوب خلق کرد در عراقی، اخراج فاسیسی هزاران بفرار ایران و مسازنه عراقی حه در سالهای گذشته و حه در دوره اجبر را همواره محکوم کرده ایم. ما طیف همین جنگ اخیطی و نراکت به رسان عربی از سربازان و از حاکمان عراقی خواستیم که سلاحهای خود را به بروی زحمتکسان ایرانی بلکه علیه رژیم ارتجاعی بغداد سکنند، بدست جداتل به ورق یاره "سام جمعه" که حالا بحای "فاسی" از سوی حزب جمهوری اسلامی مسر مسودت گاه کنیند تا دشمنان ۱۵ میژان سزاک ما حظ ببه "سربازان در حه داران و اسرا ن انقلابی و مین بر سار ش عراقی" را که آنرا دعو ب به قطع این جنگ غرعا دلاسه و نسدل آن به حک علیه ارتجاع حاکم عراقی می ساند سندا! این شما سبید که ما مطلاع "سازنه علیه رژیم صدام" را با حرکت از عسی و "کافرتودن او و از موضعی ارتجاعی در این اواخر شروع کردید. این شما سبید که چون دستان به خون خلق کرد آغشده است در برابر آنچه حنا بیات سی حساب رژیم عراق علیه خلق کرد در آن کشور سکو ب کرده است.

شما از تعطیل راديوهای مین پرستان، سر و رو و روحا نیت مسازنه در سالهای گذشته علیه رژیم شاه و فعالیت میکرد پس از فراداد این

بقیه از صفحه ۲۲ سرف...

دست بشوید، اما مخصوص در سطح رهبری حزب آزادی گروگانها مورد تصویب قرار خواهد گرفت) واقعیا نشان میدهد که هر چند امیرالاسم آمریکا می کوشد از این جنگ در جهت تضعیف جناحی از رژیم بهره گیری نماید، ولی در عین حال عالمی برای عادی کردن روابط با امیرالاسم خرید سلاحها، قراردادهای بیشتر اسرار و اقتصاد و نظامی و... خواهد بود، سخنان هفته پیش رهبری آمریکا و سخنان متقابل رحتی این واقعیت را تا شید می کند. اگر حادش غیر مترقیه دیگری رخ ندهد، جنگ غیر عادلانه کنونی فرمت مناسبی به رژیم میدهد که برای عادی تر کردن روابط با آمریکا، گروگانها را آزاد کند.

بقیه از صفحه ۸ لهستان...

دیگراست. بدین لحاظ اگر نیروهای کمونیستی لهستان فعالیت سیاسی و سازمانی خود را در میان کارگران گسترش ندهند، اگر آنسان بورژوازی، حزب و دولت حاکم را اسپا افشا نکنند و در جهت سرنگونی آن فعالیت پیگیر نکنند اگر کوششهای بورژوا، امیرالاسم و مرتجعین مذهبی را رسوا سازند، و اگر سوسیا امیرالاسم روس و امیرالاسم لهستانی غربی، رویزیونیستهای چینی را بر ملا نکنند، مسازنه پرولتاریای لهستان به انحراف کامل در خواهد غلظتید. کمونیستهای لهستان با ییدیکوشند تا جنبش کارگری را بیزیر رهبری خود در آورند. این است تضمین پیروزی پرولتاریای لهستان در مبارزه علیه بورژوازی حاکم.

بقیه از صفحه ۲۴ سفر...

در حرف بوده با... عمل؟ شما شما بشیای دروغین
فدا میریای لیستی بعشیا را مسیبتند، شما بشیای
که سبیا و پرتو مطراق ترا شما بشیای خود نسبان
بوده است (تبلیغات بر حروصدا برای فلسطینها،
دادن رادبویه محالفین رژیم آمریکا شی شاه و
تشکیل جبهه با مصلاح فدا میریای لیستی و...) ،
اما "دروشی شعار و عمل" خودتان را میبوشا نید!
سحاره رژیم! آتینکا مکه با دکنگ مبارزه
با امیریا لیسم را میگرد، نمیداست ککه
هنگام آرای آنها، اس با دکنگ می ترکسد،
سوکیدن اس با دکنگ نه تنها رژیم سلکسه
روبروی سبسیهای خاشن نوده ای سعجانی ر
اکثرت فدا شی را نیرسوا مکنند و یسره از
گرا بنات روبروی سبسی نیروهای شی چون
رزمندگان نیر میریدا رده اس با دکنگ را
مبارزه فدا میریای لیستی دیده بودند و پشت اسن
با دکنگ، تلاش رژیم را برای تثبیت سرما یسه
داری وابسته، فریب توده ها و دادن زدن یسه
توهمشان منحرف کردن ذهن توده ها از مبارزه
فدا میریای لیستی و کسب آما دگی بیشتر برای
سروکوب انقلاب را نمی دیدند.

سوم - اعلام آمادگی دو طرف برای نمایش

اگر چه شروع نمایش فقط بکطرف (حزب
جمهوری) تمایل داشت، اکنون برای با یسان
دادن آن هر دو طرف اعلام آمادگی مکنند!
اعلان رفتن رجائی به نیویورک، خود چراغ سبزی
به امیریا لیسم آمریکا برای آزادی گروگان
ها بود. مسئله گروگانها که از بظرف اروضعی
انقلابی ایجا دهنده بود، از طرف دیگر برای
آمریکا نیز زیادخوشا نند نبود حزب جمهوری
کوشیده بود از مسئله گروگانها برای تعویبت
خوبش در هئیت حاکمه استغفا ده کند و توده ها را
بفریبید اگر چه از این لحاظ سود حنا حی از رژیم
جمهوری اسلامی بود، اما مایی آنکه خود سخا همد
با زمازی کا مل و همه جا شبه سرما به داری وابسته
را دچار مشکلاتی مسماخت، امیریا لیسم آمریکا
ولیرا لبها بخا طرا بن مشکلات آن را درست نمی-
دانستند، در حالیکه جناح حزب جمهوری برای
تقویت موضع خود آن را لازم میدانست، اما اکنون
حزب جمهوری نیز که استفاد ه تبلیغاتی خود را
از آن به انداز ه کافی کرده است، خود را آماده
میکنند به مسئله خاشتمه دهد، چرا که مسئله تحریم
اقتصادی و شیوا احتیاج به وسایل یدکی و تسلیحات
حنکی برای مفا یله با عراق در ستم اقتصاد
وا بسته ایران، مسائل سی اهمیتیی نیستند و
حزب جمهوری نیز که مانند لیرا لبها در جهت
با زمازی کا مل ستم سرما به داری وابسته
میگوشد، نمیتواند نسبت بدان سی توجه باشد،
چنین است که آقای کارتر، ماسکی، سوزشکی و
حلاسه همه گله کننده های "امیریا لیسم آمریکا در
هنگام رفتن رجائی به نیویورک، برای نشان
دادن محبت خود به رژیم جمهوری اسلامی، تا آنجا
مسرودنکه عملا در جنگ ایران و عراق سد حنا بست

از رژیم ایران سرمیخرند، آنها عراق را محاور
مسا میدواد خاطر میکنند که از شما میب ارمسی
ایران حمایت کرده، تحریریه آن را تحمل نخواهند
کرد، آنها آما دگی خود را برای انواع کمکهای
تسلیحانی و... برای جنگ اسرا زدا شده و آنرا
مشروط به آزادی گروگانها مکنند و در نقطه
قابل آقای رجائی نیز حل مسئله گروگانها را
را به آمریکا نوبد مسدود سخنان آشنی حویا نه
و ملافت آمیز بر زبان مسارد، رجائی در
مصاحبه مطبوعاتی در نیویورک میگوید:

"فکر میکنم که دولت آمریکا با نه هما نظوری
که تظا هره آما دگی برای حل مسئله کرده
است، در نظر داشته باشد که برای سکنار هم
نده به تعهدات انسانی حویب خاشتمه عمل
میوشا نند... میدواد ر م در مقابل حرکتات
انسانی شما سندگان محاسن شوری اسلامی
ایران، دولت آمریکا تعهداتی را که هم
اکنون برای انجام آنها اعلام آمادگی
میکنند، فراموش نکنند." (اطلاعات ۲۷ مهر)
رجائی آزادی گروگانها را با زیبان
دبیلوما تیک حرکات انسانی نام سینه د و در
همین مصاحبه میگوید: "مجلس شورای اسلامی
با درک کامل نسبت به احاسن خاشتمه های این
زندانیان "مسئله را دنبال میکند.

پس از آنکه رجائی به اسرا ن سرمگرد سبزی
قول و قرارها تکرار میشود، او در مصاحبه اخیر
خود در ایران آزادی گروگانها را بطور عریسان
وعده میدهد، منتها قسم میخورد که ربطی به مسئله
خرید وسایل یدکی ندارد (که به زبان دیپلماتیک
یعنی دارد!) او میگوید:

"آزادی گروگانها ربطی به جنگ و وسایل
و قطعات یدکی ندارد... ما گروگانها را
مساله نمیدانیم و برای ما مسئله نیست و
اکنون نیز در حال حلش هستیم... ما به
نتیجه ای که از گروگانگیری انظسار
دا شتم رسیدیم..." (کپهان ۳۵ مهر) کید
آزما ست)

پس آنچه تبلیغ معنی سرما کمه آمریکا
اعدام جا سوسا و... کما رفت آرای، با دکنگ
دارد مشترک!

چهارم - اول نمایش: شیطان بزرگ،
آخر نمایش: تکامل معنوی

هنگام رفتن سفارت خا طرتان هت، سسه
آمریکا چه شی گفتند: حالا گوش کسیده آقای رجائی
سخن ار حسن نسبت وسکا مل معنوی امیریا لیسم
میگوشد:

"من اسن مطلب آخر را بعنوان نشان دادن
آنا رحمن نسبت دولت آمریکا در مسه حل
مسئله بحران سبسی دولت آمریکا و مسردم
ایران میدانم." (اطلاعات ۲۷ مهر)

آقای "فدا میریای لیست" بحران دولت
آمریکا و مردم ایران نقطه با نا بودی امیریا لیسم
حل میشود، امیریا لیسم می شوا سد حنا بست

دا شده باشد، شما که تا دیروز برای قرب مردم از
سظان بزرگ محبت مکنردید، امروز شوع یسه
تلهسرا میریای لیسم کرده برای اسن سظان حسن
نسبت فاشل مشود! شرم آور سرا اسن مسئله
نویه امیریا لیسم است آقای رجائی سخت ور س
"فدا میریای لیست" میگوید:

"اجرای اسن شرط (یعنی عذر خواهی آمریکا
- پیکار) به علت اسما سی بودی، بدستنها
ساده ترا سب شرایط شده است، سلکسه
میتواند سخنان یک قدم برای جلوگیری از
سرا و در آینده نطفی شود یسه اسقا ماسکی
از مراحل یسه که سنا نه نکا مل معنوی یک
دولت می شوا سدا سد، نطفی خواه شد.

(اطلاعات ۲۷ مهر)
سن او لا امیریا لیسم آمریکا، شرایطی
را که انسانی شوا سب ساده تر میسرود، تا سسا
اکرا میریای لیسم عذر خواهی کرد، اس سکسد م
برای جلوگیری از تحا و زدر آینده اسب (ا سگار
امیریا لیسم قول و قسم می فهمد که حسمت ؟)
ثالثا و از همه مهمترا میریای لیسم سبتوا نند تویه
کند و یسه نکا مل معنوی، دست ساند!

واقعا که آقای رجائی خلی فدا امیریا لیست
است! امیریا لیستی که آقای رجائی تعریف
مکنند انسانی است، سکا مل پیدا مکنند و آس
قول بدهد کما ریدی انجا نمی دهد! اما خسر
آقای رجائی، توده های ما را نمی یوایی فریب
سدهی خون هزاران شهید میهن ما اسرا سگشان
این امیریا لیسم "انسانی" آمریکا می جکد و
رنج و اسنما ر و مقرر حمتسکان میهن مسا و
میلیونها تن در سراسر جهان ناشی از ما هیست
کشف اسب امیریا لیسم خونخوا راست، در ذات
امیریا لیسم تجا و زنیفته است امیریا لیسم اسگر
تویه کند، مسیبرد، آس آنقدر شور بود که حتی
لیرا لبها شی از قماش یزیدی ودا مادی سمرسه
آقای رجائی در مورد امیریا لیسم مدرین میدهند،
لیرا لبها به رجائی میگویند تویه گرگ مسرگ
است، آقای رجائی آنقدر در نخلق گوسی سده
امیریا لیسم جلورفت که به لیرا لبها حسمت
عوا مفریبی بیشترا مکان مخالفت خوانی داد،
حزب جمهوری اسلامی و شما سندگان مجلس مسافرت
رجائی و آستا سوسی امیریا لیسم را نقد سسر
کردند و نشان دادند که پشت سرا بن سخنان رجائی
استاده اند.

کلام آخر - جنگ، جمهوری اسلامی و

امیریا لیسم را بیش از پیش بهم جوش میدهد

با بددا نست، گذشته را تا بل عمومی رژیم
به آزادی گروگانها که در جها ر شرط نازل است -
الله حمصی نیز مشهود بود، جنگ اس مسئله را
تسریع بخشیده است، (با بددا سب که اصملا لا
حساجی از حزب جمهوری اسلامی کما کان سعدم
آزادی گروگانها سقا ری خوا ه کرد، چرا که سده
خا صر نخوا ه شد هوزیم را اسن کلا ی سوزم آور
سفته در صفحه ۲۴

سفر رجائی به نیویورک

یادداشت‌های سیاسی هفته

خون زحمتکشان و کودکان وثیقه جنگ سرمایه داران

حمله مونیکی دیروز به دزفول و سماران هفته گذشته کرمانسا که از سوی رژیم صابکار به صورت گرفت، منجر به شهادت صدها مرد و زن زخمی و دانش آموز خردسال گردید. شهادت این عده و بسیاری دیگر از زحمتکشان ایران و عراق در این جنگ، بار دیگر نشان داد که این زحمتکشان دو کشورند که گوی دم سوب و قربانی این جنگ ارتجاعی هستند!

وعده پایان پرده اول نمایش ضد امپریالیستی به امپریالیسم

اول شرکت در شورای امنیت

آقای رجائی نخست وزیر مکتبی، خط امام و به اعتبار رژیم وروزیونستها "مدامپریالیست" به نیویورک سفر کردند تا در اجلاس شورای امنیت شرکت کنند.

رادبو - تلویزیون و مطبوعات وابسته سابق و کمرای تبلیغاتی این مسئله را منعکس کردند و هیچ بروی خودتیا وردند که چگونه شرکت در اجلاس شورای امنیت را در گذشته رادبو - تلویزیون و مطبوعات زیرسطره حزب جمهوری اسلامی سیاست سازش با امپریالیسم و لبرالیسم نامنها ده بودند!

آقای رجائی نخست وزیر "منتخب همسان جزئی است که هنگام ورود و اهدایم، برشمن سازمان "دول متحد" نه ایران، عکس دیدار این دلال امپریالیسم را با نه و فرج اسداخته و شورای امنیت را فاقد هرگونه ارزشی دانسته، عدم شرکت خود را در این "ارگان زیرسلطه امپریالیستی"، یکی از مسازات بزرگ علیه امپریالیسم قلمداد کرده بودند البته آقای رجائی که جا رونج حال های مخالفت با شورای امنیت را بخاطر داشت، برای بنگهداشتن ظاهرا مریه شورای امنیت انتقاد کرد و گفت که برای رساندن ندای مظلومیت ملت ایران بگوش مردم دنیا به آنجا رفته است. اما یک سوال، البته این عوام فریب زار روی آب میآورد. چرا در جریان سفارت برای رساندن ندای مظلومیت ملت ایران به شورای امنیت نیامدید، اگر آمدن شما به شورای امنیت هدمی جز رساندن ندای مظلومیت به گوش مردم دنیا نداشت، پس چرا خود را از این "تریبون" درآیننگام محروم ساختید. چرا بنی صدر که با سیاستمدان به شورای امنیت، پیوست وزارت خارجه را پذیرفته بود، پس از دوسه روز جای خود را به قطب زاده دابولندگومهای تبلیغاتی رژیم شرکت در شورای امنیت را سازش با امپریالیسم قلمداد کرد. نه این حرفها بهانه است!

شما آن بار در شورای امنیت شرکت نکردید، چرا که این امر لازم نشاید امپریالیستی تان

بود، چرا که شما عرف سن المللی را کستن و دعوا های دسلما سیک و ظاهرفرسانه و محش دادن و کروگان گرفتن دسلما شما و... را می - جواسسد شما رزه علیه امپریالیسم جازسد و برای تکمیل شما ش لازم بود تا در این عرصه شما نتاب دسلما تنگ شرکت نکند.

شما آن بار در شورای امنیت شرکت نکردید برای اینکه اول شما این بود. در حالیکه الان شما دارید مقدمات با این نمایش را فراهم می - آورید و چنین است که شرکت در شورای امنیت، این بار نه معنای سازش با امپریالیسم، بلکه موقعیتی بزرگ برای "اسلام" و "مکتب" حاصل زده میشود.

دوم - مبارزه "ضد امپریالیستی رژیم با دکنکچی که دارد می ترکد!

آقای رجائی در سخنرانی در شورای امنیت به مسئله حالسی اشاره میکند. او در مورد عراق میگوید:

"در حالی که شما ره های سند صهیونیستی سر میدهد، هرگز قدمی عملی علیه ما نسیع صهیونیسم و نیز آزادی فلسطین برداشته و برنخواهد داشت... اگر موقع صد آمریکا شت عراق از حد حرف سخا و زخمی کسند، چرا... اما این چیزی جز یک ما مورست آمریکا شت با نظا هر ضد آمریکا شت نیست؟ مردم جهان بخوشی چنین شوه ها شتی را میباشند، در همین سالهای اخروود که رژیم دست نشاند انگلیسی "یان اسمت" را در زیمبا بوه ما هدیود که چگونه به ارنا سانس با سراجنه وحی بظا هر به وی با غی میسود." (اطلاعات ۲۶ مهر)

پس آقای رجائی معتقد است که عراق در حرف ادعای فدا مبریا لیستی داشته - امپریالیسم دشمنان ده و حتی ما آن قطع رابطه کرده، در شلسلت خود بوق و کمرای جنگیدن با صهیونیسم و امپریالیسم دشمن در حالیکه عملا چنین نبوده است. خوب آقای رجائی خودتان چه کرده اید؟ ما رزه ضد امپریالیستی خودتان

"شهادت"

"گوشت دم توپ کردن توده ها" "دکان پر درآمد جمهوری اسلامی"

راستی خون چند هزار ایرانی را نکتستان جمهوری اسلامی مسخکد کردستان، ترکمن صحرا، داستکا، اسدیشک، دورود، ماهسهر، تلی و... همه و همه حاطره فرزندان دلاور خون شیده شان را شموار، ره سید دخوا هندد است. اما اسنا ه است اگر فکر کنیم رژیم تنها فانیل این زحمتکشان بوده است با ساداران و سرازانی که توسط ارکانهای مداخلتی ارس و سپاه با ساداران برای سرکوب سوده ها در کردستان و ترکمن صحرا کشته شده اند، نسر در حقیقت قربانان منافع رژیم جمهوری اسلامی سوده اند. رژیم برای حفظ و حراست ارسما به داری و اسسه و ادا مه غارت و اسشمار زحمتکشان به سرکوب انقلابیون و زحمتکشان مبردا زدود لاوران مهران کرد سیز چسا ره ای سدارد مگر برای ازین سدن ستم طغانی و ارکانهای سرکوب سرمایه داری و اسسه به معالیه برخیزند، بهر صورت این رژیم جمهوری اسلامی است که سفاطمسافع سرما به داران داخلی و امبریا لیسینا به سفا سوده ها را سرکوب کرده، بلکه با ساداران و سرازان با آگاه ران نیز به کوشش دم توپ منافع خود تبدیل کرده است رژیم برای واداسن با ساداران و ارتشیان به جنگ با سوده ها، همواره از احساسات پاک مذهبی آنها استفاده کرده و با وعده هفت و شهادت آنها را با مطلق به "جنگ با کفار" فرستاده است. این کوشش دم توپ کردن با ساداران، نظامیان و مردم توهمزده نسبت به ما هست رژیم که پیش از جنگ ایران و عراق نیز وجود داشت، اکنون ابعساد بسیار وسیعتری بخود گرفته است.

بقیه در صفحه ۲۳

بقیه در صفحه ۲۲

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست